وجعل كلمة الذين كفروا السفلى وكلمة الله هي العليا

الحمد لله کہ مباحثہ جو سنہ حال مین اکبرآباد کی اندر مجمع عام مین ہوا

تمامتر کی صحت سے اس رسالہ مین جو نام اوسکا

البحث الشریف فی اثبات النسخ والتحریف

ہے مرقوم ہوکر سنہ ۱۲۷۰ ہجری مشتہر

شاہجہان آباد مین فخر المطابع کے اندر

حافظ عبد اللہ کے اہتمام سے چھپا

بسم الله الرحمن الرحيم

حاکم عالم حمد و ثنا حضرت واجبی را که منشور جلالش بطغرای قل هو
الله مزین و بی نیازی که از فرمان کمالش توقیع الله الصمد مبرهن
و قدیمی که لم یلد و لم یولد بادلهٔ قطعیهٔ عقلیه و نقلیه در حقش صادق
و احدی که بملاحظهٔ کمال جبروتش اتصافش به و لم یکن له کفوا احد
سزا و بجا و لایق و معبودی که بتاکید آیهٔ انا الله لا اله الا انا فاعبدون
حکم فرموده و غیوری که بمقتضای غیرت فاهجروا [illegible] الکلم ارشاد فرموده
و جان جهان درود بر جناب پیغمبری که نهال شریعت مطهرش تا ابدالاباد
از صدمهٔ خزان نسخ در صیانت سرمدی است و رسولی که فرقان مجید و قرآن حمید
که بلا ریب بود از جانب رب مجید نازل شده بفحوای لا یاتیه الباطل من
بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید از خرابی تحریف تا قیام قیامت
در حمایت بازوی اعنی مفخر موجودات سرور کاینات محمد مصطفی و احمد
مجتبی که و انک لعلی خلق عظیم آیتی است از آیات کمالش و نعت

بنازم نگارم الاخلاق گلی از گلشن اصطفائش محمد شهنشاه خیل رسل ۞
که جزو اندر بینش چه جزو چه کل ۞ بود ختم شد سلسل نبوت براو ۞ بهر نبوت بر او ۞
بهر نبی که اشراف عالم گذشت ۞ بود خود در آمد مقدم گذشت ۞ غمی غیبت
بپیش اندر دیگران ۞ بپیشی گذشت است بر دیگران ۞ پس از جلوه برگ
سپیده ۞ چو شب رخت بندد سحر سپیده ۞ نه بینی که آخر دمد چون رسید ۞
در قیمتی جلوه رشته گل اند انبیا جمله او رنگ و بو ۞ زبانند ایشان او
گفتگوی ۞ خدائی نبوده اگر کار او ۞ نماندی چنین گرم بازار او ۞ اللهم صل وسلم
علی هذا النبی و علی آله و اصحابه اجمعین اما بعد حمد و نعت میگوید بنده
مسکین وزیر الدین بن شرف الدین عاملهما الله بلطفه فی یوم الدین که
درین ایام میمنت انجام که ماه رجب المرجب سنه یکهزار و دو صد و [۱۲۷۰]
هفتاد هجری مطابق ماه اپریل سنه یکهزار و هشتصد و پنجاه و چهار عیسویست [۱۸۵۴]
بلده مستقر الخلافت اکبرآباد بمقام کتره عبد المسیح جلسه مباحثه دینی دو
روز علی سبیل الاتصال منعقد گشت و هر دو روز جلسه مذکوره به
شریف آوری حکام ذوی الاحتشام و علمای کرام و پادریان ذی الاحترام
رونق بود و از مباحثین در یکجانب عالم نحریر فاضل عدیم النظیر محقق لوذعی
دقیق رئیس المتکلمین حامی دین متین آیتی من آیات الله جناب مولانا و اولانا
مولوی محمد رحمت الله صاحب ادام الله فیضهم و شفا بخش مرض نقصان
ضلالت و چاره گر مجروحان جهالت قاطع شبهات تثلیث مشید ارکان
التوحید ارسطو زمان جناب داکتر محمد وزیر خان صاحب دام عنایتهم
و در جانب دوم زمره مسیحیان ذوی الاقتدار پادری فندر صاحب
مصنف کتاب میزان الحق که در فضل و کمال در همه مملکت هندوستان

کسی را از پادری صاحبان همتای خود ندیده اند و عمدهٔ ایشان در مقابلهٔ اهل اسلام
از زمرهٔ پادریان احدی را امثال ایشان نپندارند و جناب عمدهٔ علمای
مسیحیان پادری فرنچ صاحب که در عیسائیان بسی زکی مشهوراند و نقلکو
در جهان و دو مسئله یعنی در نسخ و تحریف آمده که جناب پادری فندر صاحب
این هر دو را عمده مباحثه میدانستند و بزعم خود می پنداشتند که هرگز
از مسلمانان جواب این ممکن نیست و بفضل الله بحکم الاسلام یعلو و لا یعلی
در هر دو مسئله الزام خوردند و بر سر مجمع عام اقرار تحریف
که اهل اسلام دعوی آن میساختند کردند و چون این عاصی خلایق در هر دو جلسه
حاضر بود تقریر جانبین را ضبط می نمود خواست که آن را معه خطوط جانبین
جمع نموده منقسم بسه قسم نماید قسم اول مشتمل بر خطوط جانبین قسم دوم مشتمل
بر تقریر طرفین در مسئله نسخ قسم سوم مشتمل بر تقریر جانبین در مسئله
تحریف و بعد الفراغ از ضبط آن بنظر احتیاط تقریر آن مباحثه بنظر شریف
از ملاحظهٔ اکثر حاضرین گذرانیده مزین بمهر و دستخط ایشان گردانیده شد
و اکنون از درگاه ایزد بیچون بتضرع فراوان و زاری بی پایان التجا است
که این رساله را ناظرین را انصاف افزاینده بخشد و خاتمهٔ این جامع بخیر کند
و علی الله التوکل و به الاعتصام قسم اول مشتمل بر خطوط جانبین خط اول
از جانب مولوی صاحب بجناب پادری صاحب الامناصب زنده
ارشد شان بادا بخدمت علمای مسیحیان ذوی الاقتدار سلمکم بعد شوق ملاقات عاطفت
سمات واضح رای الطاف پیرای باد که بتقریبی وارد این بلده شده
بودم و حال از امری که اشتغال بدان داشتم فراغت یافتم اراده دارم
که مراجعت بسوی دهلی سازم و چون با این پایان بفضل الله منسوخ و محرف

کسی را از پادری صاحبان همتای خود نمی‌دانند و همتای شان در مقابله اهل اسلام
از زمره پادریان احدی را امثال شان نمی‌دانند و جناب عمدة العلماء
مسیحیان پادری فرنچ صاحب که در عیسائیان نیز کی مشهور اند و گفتگو
در همان دو مسئله یعنی در نسخ و تحریف آمده که جناب پادری فندر صاحب
این هر دو را عمده و مباحثه مفید انگاشته و بزعم خود می‌پنداشتند که هرگز
از مسلمانان جواب این ممکن نیست و بفضل الله بحکم الاسلام یعلو ولا
یعلی در هر دو مسئله الزام خوردند و بر سر مجمع عام اقرار تحریف
که اهل اسلام دعوی آن بسیار می‌کردند و چون این عاصی خلایق در هر دو جلسه
حاضر بود تقریر جانبین را ضبط می‌نمود خواست که آن را معه خطوط جانبین
جمع نموده سه قسم نماید قسم اول مشتمل بر خطوط جانبین قسم دوم مشتمل
بر تقریر طرفین در مسئله نسخ قسم سوم مشتمل بر تقریر جانبین در مسئله
تحریف و بعد الفراغ از ضبط آن بنظر احتیاط تقریر آن ساخته بنظر
از مطالعه اکثر حاضرین گذرانیده و مزین بهر دو دستخط شان گردانیده
و اکنون از درگاه ایزد بیچون بتضرع فراوان و زاری بی پایان التجا است
که این رساله را ناظرین بانصاف دیده بخشند و خاتمه این جامع بخیر کند
و علی الله التوکل و به الاعتصام قسم اول مشتمل بر خطوط جانبین خط اول
از جانب مولوی صاحب بجناب پادری صاحب عالی مناصب زیده
لطفشان نامه محمد رحمت الله صحیح ذوی الاقتدار بعد شوق ملاقات عطوفت
سمات واضح رای الطاف پیرای باد که تقریبی وارد این بلده شده
بودم و الحال از امری که باشتغال بدان داشتم فراغت یافتم اراده دارم
که مراجعت بسوی وطن سازم و چون با این بیان بفضل الله منسوخ و محرف

هذا خط اول از جانب مولوی صاحب

بودن کتب مقدسه و حقیت دین احمدی آنچنان بر خاطرم بادلهٔ قطعیه ثابت
که اگر وهم ضعیف هم پیرامون آن نمیگردد و اکثر اتفاق مطالعهٔ کتب
مصنفهٔ سامی مانده و جواب آنها هم تحریر آمده و ذات گرامی را توجهی تام
در رد مذهب اسلامی هست و زبانی شفیق و مولوی امیر الله صاحب معلوم گردید
که جناب باقتضای کمال همچو شوق مباحثهٔ تحریری شوق مباحثهٔ تقریری هم
دارند و برای حاضر شدنم بر کوتهی والای خود حکمی نیز داده بودند و
بحسب آن بمعیت مولوی صاحب موصوف حاضر اینجا شده بودم مگر از
کم فهمی ملازمت سامی حاصل نشد لهذا بلحاظ امور مذکوره میخواهم
که روبروی چند اشخاص و بعضی از مسیحیان و اهل اسلام مستفید از تقریر
سامی شوم و مکنونات خاطر خود را معروض خدمت عاطفت درجت
سازم و همه حاضرین را از کیفیت افادات جناب اطلاعی هم رسد و
چون آن زبده کیشان مسئلهٔ نسخ و تحریف را در تصنیفات خویش از عمده
مسائل متنازعه فیما بین مسیحیان و اهل اسلام میدانند چنانچه در مکتوب
اول از مکاتیبی که مندرج حل الاشکال اند تصریح بدان فرموده اند لهذا اولا
مباحثه از آن دو امر استفهام نیز بتبعیت ارشاد گرامی عمدگی مسئلهٔ مذکوره
را تسلیم کرده راضی بر آنست که اولا گفتگوی در آن مسئله آید بعد ختم
هر مسئله که اتفاق طرفین شود لهذا اگر منظور خاطر خطیر باشد بجواب
رقیمهٔ نیاز از تعیین روز و تعیین مکان مطلع فرمایند که تا حین الفراغ
از مباحثه دیگر قیام اینجا سازم و گرنه چون کدامی امر دیگر در قیام اینجا
منظور نیست عازم دهلی شوم از راه عنایت ضرور از احد الامرین بجواب
رقیمهٔ الالفت مطلع فرمایند و از آله و دهام اندهی بخدمت جناب

رسیده و اغلب که رساله احسن الحدیث فی ابطال التثلیث هم رسیده باشد
و این خاکسار الحمد لله در عرصه قریب اول رساله اعجاز عیسوی که الحال از
تالیفش فراغت کرده‌ام و در آخرش فصل سیوم باب اول میزان الحق را
هم لفظاً لفظاً گرفته جوابی داده‌ام از نظر عاطفت اثر خواهد گذشت
وبعدش ازالة الشکوک که در جواب سوالات که پنجی از عرصه طیار است
و بمجرد آمدنم باکبراباد و توفیقی در طبع او افتاده بعد مراجعتم بصوب
دهلی طبع او بظهور خواهد آمد و بعدش استفسار جواب حل الاشکال
که از عرصه بعضی دوستانم تحریر فرموده نزدم فرستاده بودند طبع او
هم عنقریب بظهور خواهد آمد و بعدش معدل اعوجاج المیزان جواب
میزان الحق که حواله‌اش و ازالة الاوهام است بملاحظه شریف خواهند گذشت
غرض هر یکی از کتب مذکوره هر یک بعد طبع بخدمت عاطفت درجت
خواهد رسید او تعالی ما را و جمیع بندگان خدا را توفیق حق شناسی و
سلوک راه راست عطا نماید و از دست تعصب و دیگر امور مضره آخرت
وا رهاند آمین فقط محرره ۲۳ جمادی الثانی سنه ۱۲۷۰ هجری مطابق ۲۳ مارچ
سنه ۱۸۵۴ع روز پنجشنبه

خط اول کشیش فندر صاحب

(جواب [illegible])

جناب مولوی صاحب الاحباب عالی‌مناقب سلامت
نامه نامی رسیده کاشف حالات گردید هر چند بر تشریف آوری گرامی
و عدم حاضری خودم در خانه و باز رفتن سامی بحصول مقصود تاسف دارم
لیکن معذورم که از سابق بر تشریف آوری مخبر نبوده‌ام و نه بتوسط
مولوی امیر الله صاحب بطلب سامی بر کوتاهی خودم پیغامی داده باشان
مگر در جواب چند مطالب معترضه مولوی صاحب موصوف این کلمه نگارم

رفته که اگر مباحثه علانیه میخواهند پیش از آن با بنده ملاقات کنند تا گفتگو
علمی کرده باشم چنانکه آنجناب می‌نگارند بالجمله از مضمون نامه سامی
چنان مفهوم شد که مباحثه علانیه در مجمع اشخاص فریقین منظور
دارند بنده اگرچه این طریقه را چندان مفید نمیدانم مگر از اطاعت ارشاد
سامی بیرون نیستم درباره تعیین روز و وقت از دو سه صاحبان
مشوره نموده اول با آنجناب اطلاع خواهم داد من بعد انعقاد جلسه
مباحثه بوقوع خواهد آمد و مصلحت چنان است که در مباحثه این
قاعده مرعی دارند و این دو سه امور ملحوظ باشند اولاً درخواست سامی
درباره نسخ و تحریف گفتگوی بمیان آید ثانیاً از امر متنازعه طرفین با
گفتگو کرده آید ثالثاً در میان گفتگوی امری دیگر امر خارج از بحث
بمیان نیاید رابعاً در مجلس مباحثه کسی از صاحبان بطور منصف انشاء
شود که در محاوره انگشت از حدود متانت باشند تا جلسه مباحثه از
شائستگی و تهذیب و انتظام معرا نباشند فقط الراقم

[illegible]

خط دوم از جانب مولوی صاحب محرره ۲۲ جمادی الاخری ۱۳۲۲ هجری
مطابق ۲۴ مارچ سنه ۱۹۰۵ عیسوی روز جمعه
بنام پادری صاحب والا مناصب زبده کشیشان نامدار عمده علمای
مسیحیان قدوی الاقتدار سلامت عنایت نامه عاطفت شمامه مشتمل
بر منظوری مباحثه علانیه و وعده اطلاع از تعیین روز و وقت آن

بعد شوره و از وجه بیان را استشعار عالی ترا ملحت جناب امر دو وقت
مباحثه با حصول الطاف شمول فرموده شتمدام ز امر موافق لطیف
مرجو که انجناب بعد شوره اطلاع خواهند فرمود و چون امر اول که هیئت
سامی از پیشتر منظور بود و امر سیوم هر اگرچه فی الحقیقت موافق طرف [illegible]
بنا محمود است الحال بکمال رضا قبول کرده شد و امر دوم قدری توضیح
ست لهذا مستکلف که انجناب اول توضیح مراد خویش از این فقره نمایند تا امر مرجو
مختار طرفین باشد گفتگو کرده آید فرمایند که بعدش بپذیرائی آن اقدام نموده
و حال امر چهارم آنکه غالبا مراد جناب از لفظ صاحبان صاحبان عالیشان انده
انگلیش باشند و بنده که درینجا مسافر و غریب هست نجد هست کسی از ینجانان
نیازی ندارد که رضا خود بران ظاهر سازد و اگر کسی را از اهل اسلام قرار
دهد غالب که منظور رای مبارک نباشد علاوه و ازین چنین گفتگوی در مسئله
عظیمه قرار یافته در صورت منصف عیسائی باشد یا محمدی تهمت
طرفداری او از دل خلایق نخواهد برخاست لهذا میخواهم که این امر
مشروط نباشد و حاجت شرط هم نیست زیرا که خود ان مجالس اهل علم ام
خواهند بود و انشاءالله تعالی ان جلسه خالی از شایستگی و انتظام نخواهد بود و
چون نیازمند از الفاظ انگریزی کم واقف است اتفاق چنانکه
و مشاهده عبارات هم بجانبین خواهد افتاد لهذا هم درین امر و اگر محمد [illegible]
خاص جناب ترک خواهند ماند در صورت یک کس دیگر شایسته این امر انجناب برای
خود تجویز فرمایند و تا انجام گفتگو این امر موقوف ماند که سوای این چهار کس یعنی جناب
و شخص شریک جناب برای امر مذکور بوده و نیازمند و اگر صاحب اعتدی علی
در گفتگوی [illegible] دلب خود [illegible] و لا [illegible] نشاید زیاده

[illegible]

خط دوم از جانب پادری صاحب بجناب ... صاحب الالقاب
عالیجناب سلامت نامه نامی بجواب نیازنامه ام رسیده موضح
حالات گردید مضامین مندرجه صورت استحسان پذیرفت بنده برین
امر رضامندم که از جانبین دو دو کس دخیل مباحثه باشند چون اگر
نباشند باشند پس لطف سامی بودن ڈاکٹر صاحب قبول و منظور
و بطرف خودم پادری فرنچ صاحب [illegible] تجویز کرده ام مگر پادری صاحب
موصوف امروز برسم تبدیل هوا بعلیگڈه وغیره تشریف میبرد و
بعد چند دو هفته باز خواهد آمد تا آمدنش مباحثه ملتوی باید هر گاه که پادری صاحب
باز خواهد آمد ان شاء الله تعالی جلسه مباحثه منعقد خواهد گردید و آن نیز همچنانکه
هنگام انعقاد و [illegible] چنانکه عادت است اکثر شایقین و سامعین
مجتمع میشوند پس از جانبین صاحبانی و [illegible] که حاضر وقت خواهند
بود کسی را در مباحثه دخل نمی تواند شد مگر اگر سخنی یا لفظی مناسب
و لایق مذهب کسی بگذرد و اظهار و عرض کردن ممنوع نخواهد بود
و دخل در مباحثه کردن همان دو دو کسان مقرره منحصر خواهد ماند فقط

الراقم بنده [illegible] ۱۲

خط سوم از جانب مولوی صاحب بجناب پادری صاحب والا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

کاشف باغیها گشت آنچه ما خواسته‌ایم در اینجا بصیغه مسافر دیانام رسیده و در بابت
قیام بر رد خود رسیده‌اند و در قسمت بعد سابق مسطور نیز مراد و سنا از شرط دوم مبیّن شده نبود
و جواب اینک بخط قلم عالیجناب رقم نامه بعد الحال معتمد بر مسافر نوازی فرمائید جناب
سامی بوده است عالی شته مرد است و اول آنکه بطوری دو هفته مشروطه گردیده جناب
مانطق جواب و مهلت بپذیرفته‌اند و دیگر مهلتی مطلوب نشود دوم آنکه نیاز هستند و مراد
گرامی از شرط دوم مشترک جا اطلاع یابد که بعد بپذیرایی آن جناب گفته‌اند
سیوم آنکه در بین دو هفته سه چهار روز پیشتر از انعقاد مجالس مباحثه از تعیین مکان و تاریخ
آن مطلع گردد والسلام علی من اتبع الهدی محرره ۲۹ جمادی الاولی سنه ۱۲ مطابق ۲۶
شهر ... روز دوشنبه خط سیوم از طرف پادری صاحب
جناب مولوی صاحب عالیشان ... الان ... رسید موضح یافته گردید
انشاء الله تعالی و بعد تشریف آوری ... صفا از دو هفته تجاوز نخواهد بود و این باید
در دل ... و دیگر پادری صاحب معروف تشریف خواهد آورد و آنجناب
اطلاع خواهم داد و مقام ... در کتب و مکانی که مباحثه در آن ... بود نسبت
قرار خواهد یافت و وقت ... الصباح از شش ... تا ... زد و آن ... بود
چرا که ... اگر زیاده ... تحمل نشست نتوانند ... روز ... مرد
... از روز ... وقت تشریف آوری ... صاحب ... خواهم کرد و جمیع
شروط ... که اشاره ... که در خطاء و ... کرده‌اند که
بعد مباحثه نسخ و تحریف ... که اتفاق طرفین باشد گفتگو کرده آمد ...
و دستور قرار داده بخط خود نوشته‌ام که ... مباحثه از نسخ و تحریف تعدد
... محکمه یقین ... کرده خواهند ... بیجا ... که مباحثه ...
... اسلام کرده شود ... که جناب ... نوشت رسالت ... مباحثه ...

[illegible]

خط چهارم از جانب موسیو لو بیصاب. جناب بارن دو بیصاب از بدگشتن ماندی عمده علمای
مسیحیان ذوالاقتدار سلا عنایت نامه عطوفت آگین متضمن اینکه مدت مهلت از
دو هفته تجاوز نخواهد کرد و مقام جلسه در کره بنگالی که سابقا در آن مدرسه
بوده است قرار خواهد یافت و وقت جلسه علی الصباح از شش نیم زده تا هشت زده
خواهد بود و سه دیگر مدارج نزول الطاف شمول فرموده موضح فیها گشت که [illegible]
فوایل فقره اولین سه و دو فوز بحصول پیوست و مضمون فقره دومین بحضور جناب هم
پذیرا کرده شد مگر از پذیرائی فقره سیوم بدو جهت عذر است اول آنکه طالب اکثر احباب
در جلسه مذکوره فقط انگریزی [illegible] خواهند آورد و در صورت در عرصه یک دو نیم گفته
که از آن هم قریب نصف گذشته با انتظاری مردم و مانند آن ضایع خواهد گشت [illegible]
نصف بجا گذاشته چه جای شیله عظیمه که مباحثه در آن منظور سامی است دوم آنکه جناب
بود که درین مباحثه خواه نخواه محتاج اعانت و شرکت جناب داکتر صاحب خاصه
با هم و جناب ممدوح شوق مباحثه هم چندان ندارند لیکن چون درین شهر از کسی
انگریزی خوان دیگر سوای ایشان تعارف هم مرا حاصل نیست و حاجت حواله و تصحیح
نقل در مناظره ناگزیر است لهذا بضرورت داکتر صاحب ممدوح را چاره و ناچار شریک
خود کردم و ایشان را در آن وقت از کار اسپتال فرصت نیست بنا علیه گذارش
بسازم که چون همت والا نهمت برای هیچ امور توجهی دارند و درین اوقات [illegible]
[illegible] مصاحب شهر [illegible] از برای احقاق حق ضرور است این امر را بقبول خاطر
عاطر [illegible] اول آنکه وقت مباحثه وسعت پذیرد و لحاظ سامعین در آن چنین
نماند بلکه همین قدر لحاظ شان باشد که هر کس بجهت [illegible] قدر

جواب [illegible] از جانب [illegible] صاحب

کرنواب نشینند و وقتی که خواهد رود و آنجناب قبل از تصفیه [illegible] و انشاءالله تعالی
صد کس از عیسائیان و اهل اسلام و هنود تا آخر جلسه در آنجا خواهند ماند بلکه بعض
امراء و ذوالاقتدار آنجا نیز [illegible] و اگر دیگر ذوالاقتدار [illegible] خیر گرامی
خانه در الحضور تا تصفیه مسائل مذکوره بعد [illegible] هر روز مقرر کنند
دوم اینکه جلسه مذکوره در روز یکشنبه بعد نواختن ده گهنته قرار یابد زیرا که در آن روز
مستخدمین سرکار و ذوالاقتدار را فرصتی و در آن وقت یعنی بعد نواختن ده گهنته اصحاب
را از عبادت معمولی آن روز هم فراغت [illegible] اگر صاحبان را از کار [illegible] جمیع [illegible]
چه صاحبان عالیشان و چه رعیان شهر از جانب ما [illegible] طعام هم فراهمی
خواهد بود و اگر در روز یکشنبه عذری باشد بجای آن در روز دیگر بعد نواختن
ده گهنته تقرر یابد زیاده نیاز محرره [illegible] جمادی الاخری سنه [illegible] مطابق [illegible]
ماه [illegible] روز [illegible] خط چهارم از طرف پادری صاحب
بجناب مولوی صاحب جامع مناقب لا انتهاء [illegible] نامه گرامی رسیده کاشف مدعا
گردید بنده را [illegible] فقره [illegible] مرقومه بنده [illegible] داده اند [illegible]
آنچه [illegible] بنده در جلسه [illegible] صرف [illegible] حاضر خواهم
[illegible] جمیع [illegible] مسائل [illegible] خواهند شد حاضر
خواهم [illegible] ضرورت خواهد افتاد
[illegible] خواهد بود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

۱۲۵۳

کرده اطلاع خواهم داد فقط الراقم بنده کمترین [illegible] مرقوم ۲ ماه [illegible]
دستخط انگریزی در پایان خط خط نجیم از جانب مولوی صاحب
جناب پادری صاحب زبده گشتنشان مدار عمدهٔ علمای مسیحیان دام الاقتدار سلامت
عنایت نامهٔ عطوفت آگین متضمن منظور نمودن تبدیل وقت و منعقد از آن و روز
مباحثه بروز یکشنبه و عزم نمودن تشریف آوری علی التواتر در جلسه ملکه در هفته
و جای معهود رسید توضیح با فصاحت نمود و تعجبی بخاطر فاتر افزود و ظاهر انجناب از گفتگو
زبانی گریز منظور کرده در وقت و هفت می افزایند و تبدیل آن نمایند و [illegible]
خاطر خطیر گردد که با وجود یکه سازم و در اقامت انجناب در مرجع خود میبدانم محض بمجا
درخواست گرامی مهلت دو هفته بعد رخصت پادری فرنچ صاحب شریک مباحثه
پذیرا کردم و انجناب با وجودیکه جناب داکتر صاحب شریک استهام در وقت
مسطور بجهت کار بستن عذر توبیت تبدیل وقت منظور یافتند و این عذر که
صاحبان انگلش را برای مجلس مناسب تر از آن وقتی نیست عذریست ضعیف
زیرا که اگر بر تقدیر بعض صاحبان عالیشان انگلش تشریف بیارند تاهم صد کس از
مسلمانان و اهل اسلام شریک جلسه گردیده خواهند گشت و تشریف آوری صاحبان
عالیشان انگلش مدار و موقوف علیه گفتگو نیست و اگر در این ماه تشریف آوری
صاحبان معظم الیهم [illegible] است اغلب که بعد غروب آفتاب صاحبان معظم الیهم [illegible]
[illegible] میباشند [illegible] و [illegible] خاطر [illegible] اگر کسی انگریزی دان
[illegible] که [illegible] خلاف [illegible] اثر [illegible] گفتگوی زبانی [illegible]
[illegible] کرده بودم [illegible] بتحریر [illegible] و انفصال [illegible] بخیال [illegible]
[illegible] دو هفته [illegible] باشد [illegible]
[illegible] گفتگوی [illegible] بعضی [illegible] خواهد [illegible]

[illegible] ازین جانب مولوی صاحب [illegible]

ودر هر بار گفتگو بمحل خود منقطع نخواهند شد ودر بار دیگر اعاده گفتگوی بار سابق نگردد
خواهد افتاد و مدتی طویل که جهت مسافت متحمل آن شدن نمی‌توانم در کار خواهد
گفت لهذا عرض می‌پردازم که مسافت نوازی فرموده از طلوع صبح تا نواخت ده
گهنته گذشته و تمام روز باقی و نیمه شب وقتیکه مناسب دانند مقرر فرمایند که نواب
وقت مذکور در تمام باقی روز و تمام شب حاضرم و نوعی عذر ندارم و تا طی شدن
مسائل متنازعه هر روز تشریف شریف ارزانی فرمایند تا گفتگوی سطور زودی در چند روز
بانجام رسد و درین چند روز اگر بحثی بر ذات مجمع الحسنات خواهد افتاد مکرر بهمه امور انتقاد
نخواهد برداشتن از اخلاق جمیله و اوضاع پادری صاحبان بالخصوص آن زبده کشیشان
بعید نیست و اگر عذری عرضم بدرجه اجابت رسد و بالضرورت بعین جواب نامه را
عرضه آخرین تصور فرموده در جواب این نامه فردا قبل از نماز جمعه هنگام اطلاع فرمایند
که بعد اطلاع آن زبین امر وحشت اگر اتفاق افتد بعد ادای نماز جمعه که زودتر
آن روز شنبه عازم دهلی شوم و عبث اوقات خود را در غفلت نگذرانم زیاده نیاز
محرره ۳۰ مارچ سنه ۱۸۵۴ عیسوی مطابق ۳ جمادی الآخر سنه ۱۲۷۰ هجری روز پنجشنبه

خط پنجم از طرف پادری صاحب جناب جامع الاوصاف والانصاف عالیجناب
مشفقنامه سامی رسیده کاشف حالات گردید در امر مباحثه که لفظ گز زبانی
منتشر کرده اند منافی طرز تحریر ارباب تهذیب است اگرچه نافع نیست که زود بیان
امور متعلقه مباحثه کنم مع هذا تحریر جناب واضح است من هم بر مجرد عدم قبول انقضای
خود ملتفت بایشان نگردم مگر این لفظ هست شما نخواهم بقلم داد جهت تعیین
وقت مباحثه از ابتدای ماه بعد دو روز از روز یا از شروع شمار که نوشته ام
بخصوص بایکدیگر دستان مشهور کرده اند تحریر جواب خواهم پرداخت
نمی‌کنم نامه‌های تو در جالقه خود نوشته ام که بعد مباحثه نسخ و تحریف اراده

[illegible]

دلایل اثبات رسالت پیغمبر خود بیان بکنند سامی جناب دین آنها از منظور نظر فرمانند
هیچ نوشته ام اگر نوپسندند بهتر است فقط راقم بنده گنهگار فندر صاحب مرقوم ٣٠
مارچ سنه ١٨٥٤ ع دستخط انگریزی بپایان خط الفاضل [illegible] از جانب
پادری صاحب بحضور لطف عالم صاحب والامناقب سلامت در نیاز نامه که دی بحضور
سامی فرستاده ام وعده کرده بودم که درباره وقت مقرره انتخاب یک دو
صاحبان مشوره کرده جواب خواهم داد بر طبق آن امروز باید که در خصوص اصطلاح کرده
شد مستحسن نداشت در خصوص وقت مباحثه همان میتواند بود که سابقا نوشتم یعنی
الصباح از شش تا نه و ده تا هشت گردد اینجا که سامی جناب در وقت مذکوره عدم [illegible]
داکتر صاحب بیان میکنند نظر بران مستجاز است از داکتر باری صاحب [illegible] ورود استه
هم امروز باید داکتر صاحب موصوف در خور دم و از رای داکتر محمد وزیرخان صاحب اجازت
رفتن در جلسه مباحثه بوقت صبح درخواستم صاحب موصوف فرمود که ما او را اجازت خواهم داد
دیروز صاحب غیر حاضر لیکن در استقبال معاف خواهد بود پس اکنون در باب وقت عذر
سامی باقی نماند اطلاع نگارش با وقت دیگر جواب مراسله دیروزه خود منتظرم امید که آن
واین هر دو را جواب عنایت شود فقط راقم بنده گنهگار فندر صاحب مرقوم ٣١ مارچ سنه ١٨٥٤ ع
دستخط انگریزی در پایان خط جناب در حضور زبدهٔ مشایخ نامدار محمد علی صاحب [illegible] والا
نامه [illegible] لطف انگین متضمن تمهید عالی وقوع مباحثه در نبوت حضرت
خیر البشر بعد انفراغ از مباحثه نسخ و تحریف و مستحسن نمودن تبدیل وقت مباحثه
در [illegible] و نظر ابرآن حاصل کردن اجازت از جناب داکتر باری صاحب برای جناب
داکتر محمد وزیرخان صاحب بنزول عواطف شمول فرموده کاشف حالات گشته
[illegible] مرا باید چون بعد مسئله نسخ و تحریف در مسئله تثلیث و نبوت حضرت خیر البشر
بحث دیگر مسائل مستنازعه اهل اسلام و عیسائیان نزاعی ابدا [illegible] اهل اسلام

از جانب پادری صاحب

از جانب [illegible] صاحب

انکار اول و تسلیم دوم را و عیسائیان عکس آن را واجب می‌انگارند و آن بنده گستاخان
در بعض نامه‌های خویش انکار تثلیث را دلیلی از دلایل ابطال نبوت آنحضرت صلعم
می‌انگارند پس از این جهت مسئله تثلیث در رای گرامی بمنزله مدار مسئله ابطال نبوت
لهذا در رای همام جناب مناسب می‌نماید که بعد الفراغ از مباحثه مسئلتین تحریف
اولاً مباحثه در مسئله تثلیث و ثانیاً در نبوت حضرت خیر البشر صلعم کرده آید و اگرچه وجه
عدم استطاعت تبدیل وقت برای مستهام بخوبی معلوم است مگر چون مساعدت آنجناب
اجازت برای جناب داکتر محمد وزیر خان صاحب بظهور آمد درخواست سامی رضا
پذیر کرده شد الحال ان شاء الله روزهای انعقاد مجالس وقتیکه حاضر شده خواهیم ماند یکی جلسه
موضع ۳ مارچ تا طی شدن مسائل متنازعه جناب سامی را هر روزه سوای روز یکشنبه
در جلسه مباحثه تشریف آوری ضروری خواهد بود البته در روز مسطور روا دار تکلیف
بذات والا صفات نخواهم شد و اگر از جانب سامی در تشریف آوری هر روزه سوای
یکشنبه عذری در میان نخواهد آمد هرگز از جانب مستهام هم عذری نخواهد شد و محض
جهت مسافت برای اجابت مشروطه کو بار بار تصدیع بعمل آمد زیاده نیاز فقط
مورخه یکم اپریل سنه ۱۸۵۴ مطابق دوم ماه رجب سنه ۱۲۷۰ هجری [illegible] باور
جناب مولوی صاحب والا مناقب عالیشان صحف نامه‌های متضمن جواب نیاز نامه
ام رسیده کشف حالات گردید در باره تقدیم مباحثه تثلیث بر نبوت پیغمبر اسلام
در نامهای پیشتر و دیگر نوشته اند اگرچه حق آن بود که هرگاه امور مجوزه سامی
جناب مسلم التقدیم داشته شد اگر دوم جناب هم امری را که من قرار داده بعد
امور مجوزه سامی نوبت آن تجویز کرده ام از محل خویش تغیر و تبدیل نکنند
لیکن از انجا که او از مباحثه در تثلیث نوعی غرضست تقدیم بحث مذکور بحث
نبوت بدین شرط قبول است که جناب مستهام جناب در نبوت متعدد بوده وجه

[illegible]

کما ینبغی مصروف این کار دارند و از حاضر بودنم هر روز در جلسهٔ مباحثه که نوشته
بنده صاحب اقتدار در جواب مکاتبهٔ گرامی مکتوبهٔ ۳ مارچ قلم داده ام که هر روز حاضر شدن
مرا و دیگر صاحبان را غیر ممکن است مگر در هفته روزی تا چند از برای جلسهٔ مباحثه مقرر کرده
خواهند شد و آن بر تشریف آوری پادری فرنچ صاحب منحصر گفتم جناب که در اول هفته
زیاده از دو روز جلسه منعقد نشود زیرا که در آن هفته روز مصلوبیت مسیح است و هفته
مابعد غالباً تا به چهار روز از هر هفته تا مزد این کار خواهد بود فقط الراقم بنده فنڈر

خط ششمی از جانب مولوی صاحب

فنڈر صاحب مرقوم ۳ اپریل سنه ۱۸۵۴ء و در پایان خط دستخط انگریزی خط ششمی
از جانب مولوی صاحب جناب پادری صاحب والا مناقب زید مجده شان نامه از
عمده علمای مسیحیان والا قدر ارسال عنایت نامه عطوفت آگین متضمن مقبول بودن
تقدیم بحث تثلیث بر بحث نبوت بدین شرط که بسته بنام اختتام مباحثه در
توجه کما ینبغی مصروف داشته و مظنون بودن تشریف آوری سامی در هفتهٔ اول
دو بار بعد ازان یوم مصلوبیت جناب مسیح در آن هفته و در هفته‌های بعد تا چهار بار
نزول عاطفت شمول فرمود کاشف فحوا گردید عاطفت فرما به استماع شرط
سامی اقبال کرده و انشاء الله بعد انفراغ از مباحثهٔ تثلیث مباحثه در نبوت جناب ایشان
توجهی مصروف خواهد داشت و تا جائیکه از جانب سامی عذری بوقوع نیاید عذر نخواهد
ساخت مگر چون در طی شدن چهار مسائل مباحثه کار بنده مساعی است و در هفتهٔ
اولین عذر روا نیز نکرده هیچ جای ان اگر هر روز تشریف آوری سامی صورت
نبندد در هفته‌های بعد کم از چهار روز برای این کار مقرر نشود زیاده بنا بر

خط هفتمی از جانب پادری صاحب

... مورخه ۳ رجب سنه ۱۲۷۰ هجری مطابق ۳ اپریل ۱۸۵۴ء خط هفتمی از جانب پادری صاحب
جناب مولوی صاحب والا مناقب عالی شان سلامت امروز کتاب ازالة الاوهام
عاید سامی از مطالعه ام بود که در آخر صفحهٔ پنجاه و دوم این فقره دیدم « آنچه پادری

پادری صاحب در حل الاشکال می‌نگارد که از کدامی بیت پرستی ملحوظ نماید و از آب
افادات است * چون بنده را یاد نیست که چنین نوشته باشم و سابق جناب [illegible]
خود حوالهٔ صفحهٔ حل الاشکال نکرده اند که دیده می‌شد در خصوص از جناب گرامی
امیدوارم که بنده به صفحهٔ حل الاشکال که چنین نوشته‌ام قلمی فرمایند فقط الراقم
بنده کمترین فندر صاحب ۱۵ اپریل ۱۸۵۴ ع دستخط انگریزی با این خط خط هشتمی از

خط هشتمی از جانب مولوی صاحب

جانب مولوی صاحب بجناب پادری صاحب والا مناقب بنده کمترین [illegible] مدار عمده
علمای مسیحی ذوی الاقتدار سلام غایت نامهٔ عاطفت شمامه نزول عاطفت شمول فرمود
موضح باشد که منظور [illegible] چون چهار مسائل که فی الواقع امهات جمیع مسائل متنازعه
فیما بین اهل اسلام و مسیحیان اند مباحثه بالمشافهه قرار یافته لهذا می‌خواهم که تا طی
شدن آنها در ماسوای آنها که محض اجنبی است مباحثه تحریری بود بعد طی اول طی
شدن آنها ملحوظ خاطر جناب باشد [illegible] از بنده استماع نیست که اگر کسی از جانبین
در تألیفات جانب مقابل خود کدامی جا از متعلقات چهار مسائل مسطوره بر امری
قابل الاستفسار مطلع شده باشد بلا تامل آن را بر وقت مباحثه بالمشافهه در ضمن
بحث آن مسئله که امر مذکور از متعلقات اوست پیش نماید و جواب‌دهی آن بلا وهم برد
جانب مقابل واجب بود و بعد طی مسائل مسطوره اگر اختیار آن امور دیگر تحریراً یا
بالتقریر استفسار خواسته فرمود بلا عذر بالسمع والطاعة و کمال رضا شنیده حسب
استطاعت خود جواب خواهم داد و هر چه قابل الاستکشاف از جناب می‌خواهم
دانست مکشوف آن خواهم کرد [illegible] زیاده نیاز محرره ۲۰ رجب ۱۲۷۰ هجری مطابق
۱۶ اپریل ۱۸۵۴ ع روز دوشنبه خط نهمی از طرف پادری صاحب بجناب مولوی صاحب
عالیجناب والا مناقب سلامت بعد شوق [illegible] عنایت نامه [illegible] آورد
وجه مباحثه روز دوشنبه [illegible] ۱۱ اپریل وقت [illegible] مقرر [illegible]

خط نهمی از طرف پادری صاحب

بمکان بخوبی هر دو روز بلافصل قرار یافته و بنده در آن هفته بوجهی که سابقاً عرضه داده‌ام مقرر [illegible]
خواهد بود و انعقاد جلسه هفته ثانی صورت خواهد بست اطلاع حاصل شد و گفتگوی
مسائل متنازعه فیها بدین ترتیب خواهد بود که اولاً چنانکه مقصود سامی است که
نسخ و تحریف و الوهیت و تثلیث انجناب معترض و بنده مجیب بعد بر نبوت پیغمبر اسلام
بنده معترض و انجناب مجیب خواهند بود و فقط دیگر نیاز نامه که باستفسار بنده مشتمله صفحه
حل الاشکال فرستاده بودم مگر مضمونش محمول بر معانی غیر مقصوده‌ام شده که جوابش
بطرز دیگر عنایت گردیده است اصل حقیقتش غیر ازین نیست که بنده از چندی کتاب
ازالة الاوهام را بسیر مطالعه دارم از روزی که فقره معلومه در آن مندرج دیدم هر چند غور
کردم یادم نماند که در حل الاشکال جناب نوشته‌اند لهذا بلا تکلف باستفسار آن پرداختم
تا ببینم که چه نوشته‌ام نه اینکه در آن تعرض مباحثه مقرره از آن مقصودی غرضی بوده
باشد بنده راضی و خوشنودم که هنگام مباحثه بر هر امری که از امور مرقومه
کتب و الهام اعتراضی ایرادی داشته باشند از ایشان کنند بشرطیکه آن امر را
با مسائل متنازعه فیها تعلقی و مناسبتی باشد چنانکه سامی جناب در نامه خود نوشته‌اند
از اسم بنده گشتی فند رصاحب مرقومه بیست و هفتم اپریل ۱۸۵۴ ع دستخط انگریزی بیان خطا
خطا نهی از جانب مولوی صاحب. جناب پادری صاحب دام الاستحباب زبده گشتی نیان (?)
مدار عمده علمای مسیحی ذو الاقتدار سلامت عنایت نامه عاطفت شمامه مشتمل بر تقرر
جلسه مباحثه بروز دوشنبه و سه‌شنبه دهم و یازدهم اپریل علی التواتر بوقت
مقرره معلوم و مکان محوزه دیگر در ارج (?) عاطفت نزول نموده کاشف با فهمانید
عاطفت فرمایان حسب الارشاد بروزهای مسطوره علی التوالی در وقت مذکور بمکان
معلوم حاضر خواهم شد و بر طبق تحریر سامی ترتیب را در هر چهار مسائل گفتگوی
بعمل خواهد آمد زیاده نیاز محرره ۹ رجب سنه ۱۲۷۰ هجری مطابق ۵ اپریل ۱۸۵۴ ع روز شنبه

[illegible] جانب مولوی صاحب

مباحثه روز دوم در نسخ جلسه اول

قسم دوم در نسخ روز دوشنبه تاریخ یازدهم رجب سنه ۱۲۷۰ یکهزار و دو صد و هفتاد هجری
وقت صبح مطابق دهم اپریل سنه ۱۸۵۴ یکهزار و هشتصد و پنجاه و چهار عیسوی جلسه اول
مباحثه قرار یافت و دران جلسه جناب اسمته صاحب بهادر حاکم صدر دیوانی
و جناب کرسچن صاحب بهادر سکرتر صدر بورد و جناب ولیم صاحب بهادر مجسٹریٹ علاقه
فوج و جناب لیدل صاحب بهادر و جناب گشتس ولیم گلین صاحب و جناب مفتی [illegible]
ریاض الدین صاحب و جناب مولوی فیض احمد صاحب سررشته دار صدر بورد و جناب مولوی
خضر احمد صاحب و جناب مولوی امیر الله صاحب مختار کار راجه صاحب بنارس و جناب مولوی قمر الاسلام
صاحب امام مسجد جامع اکبر آباد و جناب منشی خادم علی صاحب مهتمم مطبع الاخبار و جناب مولوی
سراج الحق صاحب [illegible] حاضر بودند و دیگر کسان هم از اهل اسلام و عیسائیان و هنود
قریب پانصد ششصد کس خواهند بود اول پادری فندر صاحب برخاسته باواز بلند فرمودند
که باید دانست که این مباحثه ازانجهت منعقد شده که مولوی صاحب مستدعی انعقاد
آن شده بودند گو مرا [illegible] ازان فایده نبود لیکن بسبب استدعای ایشان به آن اقرار کردم
و خواستم که دلائل حقیقت دین عیسوی پیش اهل اسلام بنهم و مباحثه در نسخ و تحریف
داده است جناب مسیح [illegible] در رساله [illegible] و حقیقت قرآن خواهند شد باین طور که در جا
مسئله [illegible] مولوی صاحب [illegible] جواب مولوی صاحب [illegible] خواهند شد و پادری
بعد ارشاد این کلمات [illegible] مولوی صاحب از فصل دوم باب اول میزان
الحق این عبارت چنین کرده اول اینکه درین باب قرآن و مفسران آن ادعا میکنند
که جناب [illegible] زبور تورات و بعد ظهور انجیل زبور منسوخ گشته همچنین
انجیل [illegible] منسوخ گردیده است دوم اینکه پس از [illegible]
[illegible] زبور ناسخ تورات است و انجیل ناسخ زبور
[illegible] از جناب [illegible] مولوی [illegible] قرآن و مفسران قرآن [illegible] فرموده اند

[illegible]

حالانکه در قران کدامی جا اینچنین مذکور نشده و نه در تفسیری از تفاسیر بلکه عکس آن آمده و در آیه
۸۹ سوره بقره یعنی ولقد آتینا موسی الکتاب الآیه در تفسیر عزیزی چنین مرقوم است در پی فقفا
آوردیم بعد از حضرت موسی رسولان را از حضرت یوشع و حضرت الیاس و حضرت الیسع و
حضرت شمویل و حضرت داود و حضرت سلیمان و حضرت شعیا و حضرت ارمیا و حضرت
یونس و حضرت عزیر و حضرت حزقیل و حضرت زکریا و حضرت یحیی علیهم السلام و غیر ایشان جاری
کس بودند و همه ایشان بر شریعت حضرت موسی علیه السلام گذشتند و مقصود از فرستادن ایشان
جاری کردن احکام آن شریعت بود که بسبب تطاول زمان در بنی اسرائیل مندرس شده
و بسبب تحریفات علمای سوء ایشان تغیر و تبدل یافته انتهی و در ذیل تفسیر آیه ۱۶۱
و ششصت و یکم سوره نساء در ذیل این قول خدا و آتینا داود زبورا در تفسیر حسینی چنین مرقوم است
و عطا کردیم داود را کتاب که نام او زبور بود مشتمل بر حمد و ثنای الهی و خالی از اوامر
و نواهی بلکه شریعت داود همان شریعت توریت بود انتهی و همچنین در دیگر کتب
اسلامیه تصریح است پادری صاحب فرمودند که شما انجیل را منسوخ میگوئید پس مولوی صاحب فرمودند
که علمای شیعه انجیل را بایمعنی که اظهار شریعت بعمل خواهد آمد منسوخ میدانیم مگر این دعوی جناب
در هر دو جا غلط است پادری صاحب گفتند که از مسلمانان گفتگوی از ایشان کرده ام
شنیده ام مولوی صاحب فرمودند که از انصاف سامی بعید است که از کسی مسلمان شنیده نسبت
بقران و تفاسیر نمایند بهر حال در غلطی این مسئله شک نیست پادری صاحب فرمودند خیر مولوی صاحب
ارشاد فرمودند که آنجناب معنی نسخ را که مصطلح اهل اسلام اند و معلوم آنجا نبائی در
کتب ملاحظه نموده باشند پادری صاحب فرمودند که شما بیان کنید مولوی صاحب فرمودند که نسخ در تعریف فقها
در اوامر و نواهی می آید چنانچه در تفسیر معالم التنزیل مذکور است والنسخ انما یعترض علی
الاوامر والنواهی دون الاخبار انتهی و قصص و اخبار هرگز قابل نسخ نیستند و همچنین در
امور قطعیه مثل اینکه خدا موجود است و در اینکه خدا مثل خود ندارد و ظلم نمی کند

قابل نسخ نیستیم دو ... اوامر و نواهی هم تفصیل است زیرا که در انها هم شرط است که
متعلق به حکم علی محتمل الوجود والعدم باشند پس در حکمی که واجب باشد مثل ایمان
بالله یا ممتنع مثل شرک باشد قابل نسخ نیستیم و آن حکم علی محتمل الوجود والعدم
نیز دو قسم است دائمی مثل قول او تعالی و لا تقبلوا لهم شهادة ابدا و درین قسم نیز قائل
نسخ نیستیم و غیر دائمی یا غیر دائمی دو قسم است موقت مثل قول او تعالی فاعفوا
واصفحوا حتی یاتی الله بامره و درین هم قبل از وقت معین او مجوز نسخ نیستیم و غیر
موقت یعنی مطلق و درین قابل نسخ ایم بدین طور که در علم الهی مقرر بود که این حکم
تا آن وقت خواهد ماند مگر بیان آن وقت در آن حکم نشده بود چون وقت آن در رسید
در دیگر حکم خدا که در ظاهر نزد ما مخالف است بیان آن گردید پس ازین حکم دیگر نزد
مردم قاصر العلم تبدیل حکم اول شده و در حقیقت به نسبت او تعالی بیان مدت
حکم اول است و مثالش یا تشبیه چنین که امیری شخصی را فرماید که این کار کرده باشی
مگر بظاهر تعیین مدت نکرده و در دل خود قرار داده که یکسال ازو خدمت خواهم
کنانید و چون یکسال گذشت او را ازان خدمت موقوف کرد پس بظاهر نزد
آن شخص تبدیل است و در نفس الامر به نسبت آن امیر تبدیل نیست یا مثالش اینکه در رسوم
سرکار از پیشگاه حکام برای حضور مردم متعلقین کچهری ها بوقت صبح حکم صادر میگردد
و اشتهار آن حکام ثبت فرمودند که این حکم همین میباشد که تا موسم مذکور این چنین خواهد باند
گو بظاهر تصریح نفرمایند پس بعد انقضای آن موسم وقتی که حکم مخالف آن صادر شد
آن حکم دوم در حقیقت تغیر و تبدیل حکم اول نیست بلکه بیان مدت آن حکم اول است پس
بحسب تقریر مسطور نسخ مصطلح اهل اسلام عبارت است از بیان مدت انتهای حکم
عملی شرعی مطلق که محتمل الوجود والعدم باشد و بحسب فهمهای استمرار و مفهوم منسوخ
یا و نصاری نموده اند که بمعنی کدام حکم انجیل نزد شما منسوخ است مولوی صاحب

فرمودند که مثل حکم عدم جواز طلاق و مانند آن باید در انصاف فرمود که آیا نزد مسیحیان تمام
انجیل منسوخ نیست مولوی صاحب فرمودند که بالمعنی تمام انجیل منسوخ نمیگوییم
زیرا که در آن این حکم هم هست باب ۱۲ مرقس ۳۰ پس آن خداوند را که خدای
تست بهمگی دل و همگی جان و همگی خیال و همگی توانائی خود دوست دار حکم نخستین
این است ۳۱ و حکم دوم که مثل آنست اینست که همسایه خود را چون خود
دوست دار و بزرگتر ازین فرمانی نیست انتهی و ما این حکم را منسوخ نمیگوییم باید در انصاف
فرمود که انجیل منسوخ شدن نمی تواند زیرا که قول جناب مسیح در درس ۳۳
باب ۲۱ لوقا چنین مرقوم است آسمان و زمین خواهد گذشت ولیکن نخواهد گذشت
سخنان من داکتر محمد وزیر خان صاحب فرمودند که این عام نیست بلکه در باره
پیشین گوئی است که جناب مسیح قبل آن درس ذکر او فرموده و معنی آن اینست که اگر
بالفرض آسمان و زمین زایل شوند سخنان من بابت این پیشین گوئی زایل
نخواهند شد باید در انصاف فرمود که نه عام است بر آن داکتر صاحب الفنسترائی و
رپچرد و لنچسٹ عبارتی که ذیل شرح درس ۳ باب ۲۴ متی که آن درس موافق
درس ۳۲ باب ۲۱ لوقا است واقع شده نموده که ترجمه آن اینست بشپ پیرس
میگوید مرادش آنست که این پیشین گوئیهای من یقیناً کامل خواهند شد و دین
اسقف این چوت میگوید که آسمان و زمین که به نسبت همه چیزها قابل تبدیل نیستند
آنچنین محکم نیستند چنانچه پیشین گوئی من در باره این چیزها محکم است اینهمه ها تبدیل خواهند
شد لیکن سخنان من مبدل نخواهند گشت و یک نقطه آن سخن که الحال
بیان کردم از مطلب سخاوز نخواهد گشت انتهی باید در انصاف فرمود که تحریر این عالمان
مانع دعوی شما نیست زیرا که اینها میگویند که این پیشین گوئی زایل نخواهد گشت و باقی
دیگر زایل خواهد شد داکتر محمد وزیر خان صاحب فرمودند که در سخنان ایشان

چه علاقه بود که مفسر تصریح بدان می نمود یا در تصانیف فرموده که عام است و اگر صاحب
که برای اثبات دعوی خود دو دلیل پیش کردیم و شما هم دو شاهد یعنی عموم ابدیا در
از این جوابی نداده‌اند بلکه فرموده که در درس بیست و سیوم فصل اول باب اول
مرقوم است که شما تولد تازه یافته‌اید نه از تخم فانی بلکه از تخم غیرفانی که عبارت
از کلام خدا که تا ابد زنده و باقی است انتهی پس موافق این باید که کلام خدا
منسوخ نشود مولوی صاحب فرموده‌اند که مثل این در درس بیستم باب چهلم اشعیا نیز واقع است
وان درس را انجناب هم در میزان الحق بعد قول جناب پطرس نقل فرموده‌اند و عبارت
از چنین است که گیاه پژمرده و گل افسرده میشود اما کلام خدای ما ابدالآباد قائم است انتهی
پس درین قول هم این لفظ خدای ما ابدا قائم است واقع شده پس بحسب زعم شما لازم
آید که امر و نهی از توریت هم منسوخ نگردد یا در تصانیف فرموده که تا ابد توریت نسخ
واقع شده لیکن کلام ما در توریت نیست مولوی صاحب فرموده‌اند که مقصود ما آنست که از
کلام پطرس مقصود شما نفی را باید بلکه مثل کلام پطرس کلام اشعیا هم است و باز دو
نسخ در توریت مسلم جناب شما می‌است یا در تصانیف فرموده که قول پطرس بطور تقویت
ذکر کرده بودم و دلیلم همان قول مسیحی است مولوی صاحب فرموده که آن درباره نوشتن کوچک
است که قبل آن مذکور است علاوه ازین در درس ۱۸ باب پنجم متی مرقوم است که راست
می‌گویم بشما تا آنکه آسمان و زمین زایل نشود یک همزه یا یک نقطه از شریعت یعنی از
توریت) هرگز زایل نخواهد گشت تا آنکه همه کامل نشود انتهی و با وجود آن احکام
توریت منسوخ گشتند یا در تصانیف فرموده‌اند که کلام ما در توریت نیست و اگر محمد
صاحب فرموده که از چه رو کلام شما در توریت نیست و حالانکه ما انجیل و توریت را
بکتاب یک دانیم و انجناب در عنوان فصل دوم باب اول میزان الحق چنان می نگارند که انجیل
و کتب مقدسه عهد عتیق در هیچ وقتی منسوخ نگشته‌اند یا در تصانیف فرموده‌اند که

در اینجا نوشته ام مگر اینوقت کلام در انجیل میکنم داکتر صاحب فرمودند که در عهد
حواریین بعد نسخ احکام توریت حرمت چهار چیز یعنی قربانیهای بتها و خون خفه شده
و زنا باقی مانده بود و الحال سوای حرمت زنا حرمت آن چیزها باقی نمانده پس
نسخ در انجیل هم آمده پادری صاحب فرمودند که بقای حرمت این امور در علما مختلف فیه است
بعضی قایلند باو و بعضی نه و ما قربانیهای بتها را حرام میدانیم مولوی صاحب فرمودند
که پولوس مقدس پیغمبر شما میفرماید من میدانم و یقین دارم از عیسی خداوند که هیچ چیز
از خود ناپاک نیست بلکه برای آنکس که ناپاک میفهمد ناپاک است و باز میفرماید
پاکان را هر چیز پاک است و آلودگان و بی ایمانان را هیچ چیز پاک نیست و از این
قول حلت آن اشیا مفهوم میگردد پادری صاحب فرمودند که بلحاظ همین آیات بعضی
علما فتوی حلت امور مذکوره داده اند مولوی صاحب فرمودند که جناب مسیح در حق
حواریین اول چنین فرموده بودند که از راه غیرقومان مروید و در هیچ شهری از
شهرهای سامریین داخل مشوید بلکه سزاوار است که نزد گوسفندان گمشده خاندان
اسرائیل رفته باشید و باز بحق ایشان فرمودند که بهمگی جهان رفته جمیع خلایق
را این مژده ندا نمائید پس دوم ناسخ اول است پادری صاحب فرمودند که
خود مسیح حکم اول را موقوف نموده مولوی صاحب فرمودند که اگر چه خود مسیح هم موقوف
نموده اند مقصود ما ثابت که نسخ در قول مسیح جائز است و در کلام سامی جلجالی دیگر
است اگر اجازت شود عرض کنم پادری صاحب فرمودند که بگوئید مولوی صاحب فرمودند که
جناب سامی بسبب گناه فرزندان ادعا کرده گویا بسبب ظهور قرآن انجیل و کتب عهد عتیق منسوخ
نموده باشند بطلان تحریر و ظلمه دو وجه متحقق است وجه اول اینکه از قبول نسخ در
ما لازم نشود اولا اینکه اراده خداوندی قرار گرفته بود که بادادن توریت الخ
روز بعد انجیل آورد لیکن بی تغییر گردید پس چیز از اول بادادن نبود باشند و

یعنی در درس ۱۵ باب ۲۰ [illegible]

یعنی در درس ۱۵ باب ۱۴ [illegible]

یعنی در درس ۱۴ باب ۱۰ [illegible]

یعنی در درس ۵ باب ۱۰ [illegible]

[illegible]

چون
این چیز مقصود و مطلب را بجا نرسانید پس این امر را منسوخ نموده انجیل را داد و
احوال است این چیز هم مثل سابق ماند آنها گردید از این هم فایده حاصل نگشت
آخر الامر بسبب ظهور قرآن مطلب را بانجام رسانید پس گاه احیاناً العیاذ بالله
چنین تصور در کارگاه خیال شنیده شود پس حکمت و قدرت خدا باطل خواهد
گردید بلکه خدا با پادشاه انسانی و آدمی ضعیف عدیم الفهم مشابه خواهد شد که این
قبیل رفتار محض در باره ذات ناقصه انسانی ممکن است نه آنکه در ذات کامل
خدا تعالی اگر قول مذکور غیر ممکن است پس از قانون نسخ این تصور لازم می آید که
خدا بالفعل مصلحت و ارادت خود عمداً خواست که خبر یا قصص و مطلب نرسانده را باید
و بیان نماید اما بنوع امکان دارد که کسی در باره ذات قدیم و کامل الصفات
خداوند چنین تصورات ناقصه باطله نماید انتهی و حالانکه این دو فقره هرگز معنی
مصطلح نسخ را بیان لازم نمی آید بلکه علمای عیسائیان و پولوس مقدس نیز اکثر
[illegible] در رساله [illegible] باب هفتم نامه عبرانیین بنگارند [illegible] النسخ
مقدم می شود بجهت ضعف و بی منفعتی و در باب هشتم همان نامه می نگارند که
همان اول بسبب بی جای بجهت همان دیگر مطلوب نگشت ۱۳ و چون این عهد
دو عهد را اول را کهنه ساخته است و آنچه کهنه و سال خورده است در معرض زوال
است انتهی پس درینجا پولوس مقدس احکام توریت را ضعیف و بی منفعت
منسوخ نموده باید و توریت را عتیقه و کهنه و در معرض زوال ارشاد می نماید
شنیده و ساکت شده و هیچ جواب این را نداده مولوی صاحب فرموده که آنچه مصنف
کتاب میزان الحق در باره اشکال النسخ تحریر فرموده اند واجب الاخراج است و آنها را
از معنی نسخ مصطلح اهل اسلام مناسبتی نیست پادری فرنچ صاحب فرموده که سابق
در گفتگوی [illegible] گفته بودم که از توریت همان احکام منسوخ شده که نشانها [illegible]

دانی

و نسخ آنها مناسب بود زیرا که مسیح آنها را کامل کرد و پیشین گوییها که در حق مسیح بود
منسوخ نشده اند و بعضی انجیل بر داشته این عبارت خوانند باب دهم نامه عبرانیان ۱
چون شریعت را ظلال چیزهای آینده داشت نه اصل شبیه امور بود پس هرگز
نمی تواند که کامل گرداند طالبان را بان قربانیهای که پیوسته هر ساله میکنند ۲
هر چند که آنها را نیز اینها موقوف میکردند زانرو که عبادت کنندگان بعد از آن
یکبار طاهر شدند دیگر یاد گناهان نمی نمودند ۳ لیکن بان قربانیهای هر ساله یاد
گناهان می نماید ۴ چه ممکن نیست که خون گاوها و بزها گناه را رفع نماید ۵ لهذا
چون بدنیا در می آید میگوید که تو قربانی و هدیه را نخواستی و بدن را برای من
آراسته ۶ و از قربانیهای تمام سوخته و هدیه های گناه راضی نبودی انتهی
پس بحسب این تورت و دیگر کتب اشاره بسوی مسیح بودند و بعد آمدن مسیح
آن تکمیل یافتند و خدا از قربانیها راضی نبود و در انجیل اشاره بسوی کسی است
که از آمدنش انجیل منسوخ گردد داکتر محمد وزیرخان صاحب ذکر نمود که اگر تسلیم کنیم که از
آمدن مسیح احکام تورت تکمیل شدند احکامیکه قبل از مسیح موقوف شده اند
بران اطلاق نسخ جایز است یا نه پادری فرنچ صاحب فرمودند که آن کدام است
داکتر صاحب فرمودند مثل حکم ذبح که در باب هفدهم سفر توریت مصرح است بوده باب
و نسخ و ثبت آن در باب دوازدهم استثناء منسوخ شده و پادری صاحب ذیل
بیان پادری مرتن در صفحه ششصد و نوزدهم جلد اول سطر ۲۳ و ۱۸ اقرار نسخ حکم
مذکور نمود بعد بعضی عبارتها از قصص نقل کرده اند که در آن چنین مصرح است که از ذبح
در سال چهل هجرت مصری قبل از دخول فلسطین صریح آن حکم منسوخ شد پادری
فرنچ صاحب شنیده ساکت شدند داکتر محمد وزیرخان صاحب فرمود که تا اینوقت
انکار نسخ بود و غرض بالفعل معترف شدند که نسخ در کلام الهی مستحیل نیست

چنانچه پادری صاحبان بالخصوص جناب شما در میزان الحق ادعای استعمال آن حکمت نموده
پس هرگاه امکان نسخ ثابت شد وقوع آن بالفعل در انجیل بعد ثبوت رسالت حضرت خیر البشر
خود واضح و آشکار خواهد گردید بالجمله در میان امکان نسخ و وقوع آن بالفعل فرقیست بین بادی
[illegible] صاحب فرمودند که ما نیز در امکان آن و وقوع بالفعل در ان فرق میکنیم
و حالا کلام در نسخ تمام شد و در تحریف شروع کنید بران کلام در تحریف آمد

قسم سوم در تحریف مولوی صاحب فرمودند که اول عرض اینست که ارشاد فرمایند
که نزد شما بکدام امر تحریف ثابت میگردد که بسبب آن اثبات او کرده شود بران
پادری صاحب جناب هیچ جواب ارشاد نکردند بعدش مولوی صاحب
فرمودند که اعتقاد جناب درباره کلام ربانی بودن مجموعه انجیل چیست آیا از اول
باب پیدایش تا آخر باب مکاشفات هر لفظ و فقره آنها کلام ربانی است یا نه پادری
صاحب فرمودند که درباره هر لفظ نمی گوئیم لیکن کتب قابل تسلیم هستند مولوی صاحب
فرمودند که آن لفظ را که در وی سهو نشده باشد گذاشته در دیگر الفاظ و فقرات
بیان کنیم پادری صاحب فرمودند که درباره الفاظ هیچ نگوئیم مولوی صاحب فرمودند
که [illegible] در باب [illegible] چهارم تاریخ خودی نگارد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

قسم سوم در تحریف

در حسن سقایه طلبیدن آن درسی حوض سیار ذکر زاهد گفته بود که این طعام عید فصح [illegible] خداوند [illegible]
و پناه ماست پس [illegible] که اگر خدا و [illegible] طعام [illegible] خواهند و [illegible] خواهید و [illegible]
[illegible] برای [illegible] و دیگر [illegible] آورده [illegible] شده [illegible] است [illegible] شده
[illegible] بسیار [illegible] در [illegible] کتاب [illegible] قصیده [illegible] حسن [illegible]
این عبارت حسن [illegible] ذکر کرده و [illegible] که از [illegible] تحریف کرده و از [illegible]
[illegible] اخراج نموده‌اند و [illegible] هم [illegible] ذکر کرده و [illegible] کتاب [illegible]
[illegible] کتاب حسن [illegible] که [illegible] کرده [illegible] غالب [illegible]
[illegible] نسخه [illegible] از دو حال [illegible] که [illegible] حسن [illegible]
[illegible] [illegible] و [illegible] انجیل [illegible]
بود که از جانب خود [illegible] ساخته از اجزاء کلام الهامی گفته‌اند [illegible]
که حسن [illegible] است [illegible] که جامعین [illegible] اسکات [illegible] در جلد اول
تصحیح کرده‌اند که [illegible] از تحریف [illegible] که در نسخه [illegible]
تحریف کرده‌اند و [illegible] گفته‌اند که [illegible] در سنه ١٣٠ [illegible]
[illegible] که از [illegible] اسکات [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] که [illegible] آن [illegible] نیست [illegible] آن [illegible]
[illegible] و [illegible] دیگران [illegible] در [illegible]
باب [illegible] در [illegible] در حق [illegible] در [illegible]
باب [illegible] از [illegible] کتاب [illegible] آغاز [illegible] انسان [illegible] نمود
در [illegible] باب [illegible]
[illegible] از [illegible]
[illegible] تعجب [illegible] کتابی که [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] که تصنیف آن [illegible]

بلکه شنید

[illegible] گفته شد اینک معلوم شود
از آن کتاب بجا قطع نظر از این بن [illegible] از شهادت [illegible] صحت نبات میکرد [illegible]
[illegible] اشکال [illegible] کتابت او و [illegible] شنید و شنا و
نه اینکه تو از لفظ [illegible] ایشان [illegible] در حل [illegible]
[illegible] اثبات میکرد که [illegible] کتب در این باب [illegible]
ابد او [illegible] از شهادت [illegible] قضایا [illegible]
لفظ [illegible] آن کتب با در قضایا فرموده که [illegible]
هر جمله و هر [illegible] اول
[illegible] کتب معتبره [illegible] باز در قضایا باز [illegible]
[illegible] و [illegible] در نجا [illegible] تسلیم [illegible]
[illegible] قضایا فرموده اگر شما در نجا [illegible] تسلیم [illegible] قول [illegible] در نجا تسلیم [illegible]
در نجا تمام قول [illegible] باد در قضایا فرموده خیر و اکثر قضایا فرموده که یعقوب [illegible] باب [illegible] نامه نموده
[illegible] و در خلافت [illegible] ایوب [illegible] شنیده [illegible] خداوند [illegible] آمده و کسی [illegible] شنیده [illegible]
بود و [illegible] آن کتاب [illegible] در علمای اهل کتاب [illegible] در [illegible] ایوب [illegible]
[illegible] که این شخص در زمانه سلف بوده [illegible] علمای اهل کتاب [illegible] و [illegible]
[illegible] از علمای مسیحیان قائلند که ایوب [illegible] و کتابش [illegible]
[illegible] در قضایا فرموده [illegible] ایوب شخصی بوده و اگر در شهادت مسیح [illegible] داخل است [illegible]
[illegible] در قضایا [illegible] فرموده که [illegible] نامه [illegible] مخالف [illegible] مقابله [illegible]
[illegible] و معلوم است که [illegible] کلام [illegible] انجیل [illegible] نقل [illegible]
[illegible] نقل [illegible] نبات [illegible] و باد در قضایا فرموده که کلام [illegible] انجیل [illegible]
[illegible] قول مسیح [illegible] انجیل محرف [illegible] شهادت مسیح [illegible]
[illegible] قضایا فرموده که کلام [illegible] مجموع [illegible] از قضایا [illegible]
[illegible] اولا از شهادت مسیح [illegible]
[illegible] عدم تحریف [illegible] دیگر او [illegible] نبات [illegible] باد در قضایا
[illegible] شهادت مسیح [illegible] که تحریف انجیل [illegible]
فرموده که [illegible] تحریف انجیل [illegible] انجیل [illegible]

در شش کلام بابت ال یعنی خوانده فرمودند که بیان فرمایند که در طبقه دوم هر که از اسم اجماع رد و مطعون
باد و بعضا فرمودند که بعد از این چیست مگر از انها کسند که در همه نسخه ها طبع شده نمی شود بانند و اجماع
فرمودند که در نسخه های عالی موجود و خدا داند که در نسخه های سابق چه بود بانند مگر بلا شک غلط
است و بعضا فرمودند که غلط بود و این رسید تحریف با مرد کا نیست اکثر صاحب فرمودند
مگر اگر با تفصیل الهامی است غلطی باد و با الهام امکان نیست در مضمون بلا شبهه مجروح شده دیگر
الهامی نیست مضمون مطلب و دیگر جا حاصل نیست باد و بعضا فرمودند تحریف فی ما بین
خواهند که این رسمها از ایشان رسید که در نسخه های سابق نباشند و در نسخه های موجوده
یافته شود و اکثر صاحب در شش هفتم و هشتم باب تعلیم اول پیدا نشن کردند باد و بعضا فرمودند که البته
در این جا و در بعضی دیگر تحریف شده بجز سماع این جناب استهته صاحب بابا جانم [illegible] که
پادری فرنچ صاحب [illegible] باد و پادری فرنچ صاحب زبان انگریزی استعفا فرمودند که این صحبت
پادری فرنچ صاحب جواب داد که این هم از کتاب [illegible] دیگر [illegible] صحیح [illegible]
از تحریف نیست [illegible] گذشته اند بعد [illegible] پادری فرنچ صاحب [illegible] اکثر صاحب شده زبان اردو
فرمودند [illegible] صاحب [illegible] که در نقش [illegible] صحیح تحریف شده تبدیل شده
[illegible] صاحب [illegible] مطبع الاخبار گفتند که [illegible]
و بعضا [illegible] تحریف شده تبدیل کردند باد [illegible] صاحب گفتند که [illegible] فرمودند
که [illegible] آمده [illegible] کتب مقدسه [illegible] نقصان [illegible] اختلاف
[illegible] فرمودند که این اختلاف [illegible] هزار [illegible]
[illegible] پادری [illegible] که اختلاف [illegible]
[illegible] فرمودند که [illegible] نقصان [illegible] اختلاف [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] فرمودند که [illegible]
[illegible] قابل اعتماد نمی بود و در

کلام

حکم جواز از قول انبیای سابقه ثابت حاصل و تحریف یا فسخ شده یا چگونه بر آن نبوت و اعتماد نمیتوان کرد و در حق انبیا
صورت که در نجات الشریف بیاید از خوب است و بنوعی نعت جناب بهاء اشاره کرده فرموده که از قبستان
لیکن جناب مشوار الیه بخصوص صحیح فرموده بار بفضی صاحب فرموده که چون نزد و سامعی
عبارت معلوم است و در جائی که دو عبارت مختلف است هر چه با نجیل است کی از آنها و کردن
که این کلام ربانی است در قضا فرموده بفضی صاحب فرموده که همین معنی اهل اسلام است و از
مجعول و تبدیل با این تحریف اند معنی هست چه این که کلام بانجیل بر آن باید در حق قضا فرموده
وقت معلوم گذشته باید گذشت با گفتگو فردا خواهد بر آن صحیح لوحی فرمود که جناب سامعی در
هست حالا از تحریف صحیح فرمود و با ایشان ابعد نجات باشد صحت حالا از اعلا مسیحی تحریف
کردن معلوم اگر ساخته مضمون نجات الا با جناب فرمود امر نجات د چند اول مشتمل چند کتاب از
کتب سماوی خواهم ... از ایات ... دوم نجات با صحت صحیح معهود که ازو اعلا مسیحی در احمد
خواهم با یاتم ... توجیه با دعا میگوئیم که خواهی قول با این کنید و ایم میگوئیم که جناب
ما رسانیم اولا تشریح و با تسلیم توجیه اختیار که با صحیح معنی ... چونکه تا وقتی که جناب با از
نتیجه دو جناب با صحت تشریح تو نسبت بایشان و دست هرگز از اقوال انجیل ... ادله ... ما
باید قضا فرمود که با این نجات سیام که اول نجات هم سیده لا انجیل که در معتبر ...
سوال قضا فرمود که منظور است و اگر صاحب صحیح فرمود که اگر قرار باید بعین وقت گفت آمد با در قضا
کار حالا ... فردا خواهم ... سعید ... تفضیل رخصت شدند در روز دوم که یوم ... سنه دوم

جلسه دوم

... سنه ۱۹۱۱ اپریل ... وقت صبح جلسه ثانیه منعقد و در این جلسه از جلسه اول هم مردم
زیاده جمع آمده بودند و جناب ... صاحب بهادر حاکم صدر ... و جناب ... صاحب بهادر حاکم صدر
و جناب ... بهادر ... و جناب ... و جناب ... و دیگر صاحبان ... اعلی
انگلیس و جناب ... قاضی ... العلما ... و جناب مولوی ... جناب قاضی القضاة و جناب مولوی
... و جناب مولوی ... و جناب ... صاحب

کلام

قرة الاسلام امام مسجد ... و جناب ... جناب ... علیه ... وکیل کمپنی و جناب خادم ... صاحب ... [illegible]
مطلع الاخبار رونق افروز ان ... دیگر ... از اهل اسلام و ... نبود و قریب ... [illegible]
و در ... کتب ... بعض ... جلسه ... روز اول ... اند ... و ... شروع نمودن ... در ... [illegible]
بر ... از ... فصل اول ... عبارتی که در ان چند آیات قرآنی بود
خواندن شروع کردند و ... اعلام ... جناب قاضی القضاة صاحب ... نمودند که بترجمه اکتفا کنید زیرا
که از ... لفظ ... بعضی ... در ... نمودند که ما را جهت ... زبان ... و این عبارت
سوره شوری ... نازل شد ... کتاب و امرت لاعدل بینکم
الله ربنا و ربکم لنا اعمالنا ولکم اعمالکم لا حجة بیننا و بینکم ... یعنی بگو ای محمد ... ایمان آوردم
بان ... نازل ... و ... خصوص ... الله ... خدا ... حجت ... اعمال
... اعمال ... خواهند ... با ... باشد و ... سوره العنکبوت مرقوم است و لا
تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلموا منهم وقولوا امنا بالذی انزل الینا و
انزل الیکم والهنا والهکم واحد ... یعنی ... با اهل کتاب ... مگر بطریق خوبی
... با ... ظالم ... بگویید که ایمان آوردیم ... که ... نازل شده و ... خبری
که ... نازل ... خدای ما ... و ما خود را ... تسلیم ... ایم و در ... مرقوم
... الیوم احل لکم الطیبات وطعام الذین اوتوا الکتاب حل لکم وطعامکم حل لهم یعنی امروز
حلال ... طیبات و طعام ... کتاب ... و طعام شما نیز ... حلال ... و ...
... و ... نازل ... اهل کتاب ... کرده اند
... در ... نقل ... یتلون الکتاب یعنی ... بود
... خواندند و این فقره نیز از قرآن ... کتب ...
... زیرا که در سوره آل عمران ... انزل التوریة و الانجیل من قبل
... نازل ... و انجیل ... که ... باشند انتهی ... فرمودند

که در این آیات ذکر کتاب را که نزد شماست و از اهل کتاب [illegible] و نصاری وارد کتاب [illegible] انجیل و [illegible]
پس معلوم میگردد که در عهد محمد توریت و انجیل [illegible] بوده و محمد بان اشعار [illegible] کرده موسی و عیسی [illegible]
و از آن محمد در آنها تحریف [illegible] یهود و نصاری [illegible] همین آیات [illegible] کلام ربانی نازل شده [illegible]
بر یاد آوردن توریت و انجیل [illegible] در عهد محمد [illegible] بوده [illegible] از آنها [illegible] آیات
معلوم میگردد که در انها از زمان محمد تحریف نگشته [illegible] اهل کتاب تحریف [illegible] امده [illegible]
آیات قران [illegible] که [illegible] کلام ربانی نازل شده [illegible] که در [illegible]
[illegible] ولا تجادلوا اهل الکتاب [illegible] و [illegible] نصاری [illegible]
و در صورت [illegible] آیات قرانی [illegible] که از آیات قرانی [illegible]
[illegible] که موافق آیات [illegible]
[illegible] تحریف [illegible] نشده [illegible] آیات [illegible]
۲۰۱ [illegible] اهل الکتاب [illegible] رسول [illegible]
۲۰۳ [illegible] الذین [illegible] و رحمة [illegible]
که از این آیات [illegible] که [illegible] کتب [illegible] بعد از [illegible]
[illegible] که [illegible] و [illegible]
[illegible] علاوه [illegible] اعتقاد [illegible]
[illegible] کرده [illegible] نظر [illegible]
[illegible] تحریف [illegible] آیات [illegible] موافق [illegible]
[illegible] نصاری [illegible] که [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] تحریف [illegible] و [illegible]
[illegible]

دین اور [illegible] و عقیده [illegible] که بعضی [illegible] اسلام قبول کیا اور بعضی [illegible]

[illegible] یعنی رسول الله [illegible] عبد الله [illegible] در آخر ترجمه [illegible]

بطور [illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible] رسول عظیم القدر [illegible]

[illegible]

[illegible]

کتاب شبهات را هم تسلیم کرده اند که سبب وقوع [illegible] و جنگها در زمان سلف شده [illegible] حب تعصبا گفته کرده اند

ناحق است و اگر [illegible] حب صحابه فرض شود که [illegible] کدام از زمانه بود یا در تعصبا

[illegible] و اگر صاحب فرض شود که [illegible] دو فقره از شبهات نقل کرده [illegible] از دو [illegible] این

فرض کرده در آخر [illegible] کتاب شبهات را تصنیف [illegible] قبل از آن

کتاب [illegible] دو فقره [illegible] از لفظی مسیح [illegible] شبهات [illegible] بعد این

گذشته [illegible] تصنیف [illegible] گفته و [illegible] تصریح کرده که بعضی

قبل از [illegible] کلام [illegible] گفته [illegible] فرمود که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اهل اسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اهل اسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نشنیده باشد و در این جا فرمود که حسب تقریر بعض شمار از انجیل [illegible] بعض کس هم از مجموع باصل مطلب کشیده [illegible]

که در این جا [illegible] انجیل [illegible] خواهد [illegible] نظر [illegible]

[illegible] مجموعه [illegible] انجیل [illegible] کتب [illegible]

[illegible] کلام انجیل [illegible] کلام [illegible] انجیل [illegible]

[illegible] کتب [illegible] کلام [illegible]

[illegible] نوشته [illegible] خلاصه [illegible]

[illegible] اختلاف عبارات [illegible] یک نسخه [illegible] نسخه‌های متعدد بوده است که از

[illegible] نسخه [illegible] بعض اختلاف [illegible]

[illegible] انجیل [illegible] الفاظ [illegible] نسخه [illegible]

[illegible] اغلاط

[illegible] نسخه‌های متعدد [illegible] تصحیح [illegible]

[illegible] یک نسخه [illegible] تصحیح [illegible]

[illegible] نسخه‌ها [illegible] تصحیح [illegible]

[illegible] تصحیح [illegible] نسخه‌های انجیل [illegible] تصحیح [illegible]

[illegible] تصحیح [illegible] عبارات [illegible]

[illegible] تصحیح [illegible] عبارات [illegible]

[illegible] عبارات [illegible]

[illegible] عبارات [illegible]

[illegible]

[illegible] عبارات [illegible]

[illegible] نسخه [illegible]

[illegible] نسخه [illegible]

و در وقتی که اکثر خلاف جواب خواهیم [illegible] غلطی [illegible] و در نفس الامر مقصود [illegible]
بوده که چیزی [illegible] تحریف [illegible] جناب [illegible] کاتب تمام [illegible] نسخه [illegible]
[illegible] غلطی [illegible] تحریف [illegible] نسخه [illegible]
از نسخ کاتب [illegible] جناب قاضی القضاة صاحب [illegible] عبارت [illegible]
[illegible] نسخ [illegible]
[illegible] تحریف [illegible] کاتب [illegible] غلط [illegible]
[illegible] تحریف [illegible]
[illegible] تحریف [illegible] ثابت خواهد شد [illegible] نسخه
[illegible] نسخ [illegible]
[illegible]
[illegible] نسخ [illegible]
[illegible] تحریف [illegible]
[illegible] نسخ [illegible]
[illegible] غلطی [illegible]
[illegible] غلطی [illegible]
[illegible] جناب [illegible]
[illegible] نسخ [illegible] جناب [illegible]
[illegible] اختلاف [illegible]
[illegible] مختلف [illegible]
[illegible] نسخ [illegible]
[illegible]

نمی‌شود باید اگر تسلیم بکنید در آن صورت [illegible] زیرا در [illegible] دلیل از این کتاب [illegible]
عمل [illegible] کتاب [illegible] عمل [illegible] صاحب فرمود که چون این کتب با قرار جناب هم تحریف [illegible]
و نقصان ثابت شد پس [illegible] هرگز قایل این نیستیم که در متن غلطی نشده پس [illegible]
اثبات [illegible] نبوت محمد از این دلیلی [illegible] تمام [illegible] در تفسیر صاحب فرمود که [illegible]
[illegible] غلطها استخراج کرده [illegible] این مفسر [illegible] معتمد او [illegible] مفسران [illegible] نوشته ام
[illegible] نوشته اند که در باب [illegible] خالی نیست [illegible] صاحب فرمود که [illegible]
اقوال این علما [illegible] نزد ما معتمد او جمیع اقوال [illegible] قابل [illegible]
گفتند که جناب از تفسیر بیضاوی کشاف جزری نقل کرده اید [illegible] فرمود [illegible] صاحب [illegible]
که جناب [illegible] این اقوال را که جناب [illegible] نوشته اند [illegible]
[illegible] که حضرت محمد رسول خدا [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] علما [illegible]
[illegible] صاحب فرمود که این سؤال تفصیل
[illegible] جواب [illegible]
[illegible] تسلیم [illegible] تحریف [illegible] کتاب [illegible] ثابت است [illegible]
[illegible] مقصود [illegible]
[illegible] بتفصیل [illegible] اثبات عدم تحریف [illegible]
[illegible] این کتاب [illegible] دلیل [illegible] تمام [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] تحریف [illegible]
واقع شود [illegible] و لازم [illegible] تقریر [illegible] ختم شد [illegible]
[illegible] تقریر [illegible]

خط از جانب پادری صاحب بجناب مولوی صاحب الاسناد قبله عالیمقام سلامت

سابق ازین نیاز نامه مشعر استفسار بنده متضمن حل الاشکال که حسب قول سامی
دران نوشته ام که از کدامی نبی بت پرستی بظهور رسیده واز حال نیست کرده بودم
آنجناب محمول بر معانی دیگر کرده از نمبر صفحه [illegible] بنده و بنده خیال کرده ام
که غالبا اینچنین نوشته باشیم اگر ایمرتبه براه عنایت و مهربانی از بنده این صفحه
آگاهم فرمایند بدرستی دانسته شود که چه نوشته ایم واگر الحال هم در تحریر نمبر صفحه
یاد نمی خوانند فرمود گمانم چنان خواهد بود که شاید آنجناب از مفهوم عبارتی که در صفحه
هشتم ۴۰ از حصه حل الاشکال از سطر دوم یا هشتم مرقوم است برخلاف معانی مقصوده
ام عدم بت پرستی انبیا مراد برگرفته اند دیگر آنچه امروز در جلسه مباحثه بعض آیات
قرانیه که دران از انجیل ذکر رفته است پیش کرده بودم وآن آیات در صفحه
سیزدهم ۳ میزان الحق نیز مندرج شده اند سامی جناب در جواب آن فرموده بودند
که از انجیل [illegible] که قرآن صرف قول مسیح مراد است نه قول حواریان بنده میپرسم
که این معنی در تفسیری از تفاسیر دیده اند یا خود چنین مسلم داشته اند پس اگر از تفسیر است
بمهربانی فرموده عبارت تفسیر بلفظه رقم نگارند واگر از جائی دیگر است از روی نوازش
و عنایت آنجناب قلمی فرموده بنده را ممنون فرمایند واگر در [illegible] ضرورت
روا داری این امر ممکن نباشد هرگاه بفضل الله الخبیر بدهلی رسند از انجا رقم نگارند
و [illegible] ملاقات دست دهد بنده را مامور الاقدام و بعطای کتب محظوظ فرمودند
[illegible] خود یاد فرمایم [illegible] [illegible] مرقوم نیاز دهم [illegible]
[illegible] ام [illegible] اگر [illegible]

خط از جانب مولوی صاحب
بجناب پادری صاحب والا مناصب [illegible] علمای مسیحیان
[illegible] عنایت نامه عاطفت شمامه متضمن استفسار بنده صفحه

جواب خط پادری صاحب از جانب مولوی صاحب

جواب خط مولوی صاحب از جانب پادری صاحب

حل الاشکال و جمعی که اگر اشکال هم در تحریر نمبر صفحه تامل خواهند فرمود گی هم نشان
خواهد بود که شاید انتخابات از مفهوم عبارتیکه در صفحه شصتم آخر حصه حل الاشکال
از سطر دوم یا شتم مرقوم است برخلاف معانی مقصوده ام عدم ثبت بر معنی
انبیا مراد گرفته اند و مشتمل بر طلب سند قولم در باره انجیل نزول فرموده
باعث استغراب گشت و سر امر از وضوح تسریح که جناب به برده ز نجدی طلب منها
مطلع نظر دارند که از نقل بل حواله بران عبارت سید سند که بزعم خود دران بر حضرت
حزقیل شد به طعن کرده اند و گرنه چسان بخیال آید که جناب یا القدر از تحریر
خود فراموش شده که چنین موضع که مفهوم مسطوره را اصلا از وضع سیاق ثبت
قابل استنباط داشتند یا شاید غلطی در نقلم مظنون کرده تعریض بران نموده اند
اگر اول است از اطلاق سامی بعید چو جواب آن جناب نسبت ایشم و اگر دوم است
باهم مناسب نمی نشیند و بنده با چه مانع که در همچو امور بر زلات گاهی اعتراض
کنم مثل آنکه در صفحه ۱۰۳ حل الاشکال در جواب استفسار مرقوم است بهم ۴۲
صفحه مین لکها هی که قاعده صرف و نحو اور معانی اور بیان اور سائر فنون کی
کتاب عهد اسلام سی پیشتر کی کسی یهودی اور عیسائی کی پاس نظر نهین آتی
حالانکه این نقل مطابق نیست ولفظ سائر فنون درین مقام هرگز در استفسار
واقع نشده بلکه لفظ مفردات لغت است که از جناب بغیر سائر فنون کرده
و باز بر این اعتراض گشاده خصوص صاحب استفسار در مقام موجود دیگران فنون
است که تحقیق یعنی زبان توریت و انجیل واند و مثل آنکه در فصل دوم
نمبر سوم مرقوم است از کتب مین بیان آیا [illegible] که مفسرین دعوی کرتی هین
که [illegible] بهتانی است [illegible] در قران جایی ذکر این امر نیامده و نه از تفسیری
از تفاسیر [illegible] دعوی [illegible] جناب که در طلب او [illegible] گذارش

هم نموده بودم و مثل آنکه در فصل سوم میزان الحق مرقوم است فانی کی کتاب
دبستان مین یون سطور ہی کہتی ہین کہ عثمان فی الخ حالانکه در ان کتاب در
بیان مذهب فرقه اثنا عشریه چنین واقع شده بعضی از ایشان گویند که عثمان
الی آخره و جناب از ین عبارت لفظ بعضی از ایشان را حذف نموده تا بظاهر
نسبت این قول بسوی تمام آن فرقه گردد و مانند این زلات دیگر هم از
اگر در خطوط نقل بجا امور مشتبهی دانم و میخواهم که جناب سامی را درین باب
پنج دهم و حال شنیده مستفسر آنکه در صفحه یکصد و پنجم حل الاشکال در سطر
دوم تا هفتم ملاحظه فرمایند و چون در عبارت استفسار چند جا مثل اینجا
وصفحه یکصد و نود و پنجم لفظ گوساله پرستی و بت پرستی واقع شده و طعن
صاحب استفسار بابت هر دو است لهذا لفظ گوساله پرستی را در سطر هفتم
بمعنی مطلق بت پرستی گرفته ام و گرنه هرگز طعن صاحب استفسار بتحریر دو جا کل
انجیل آنچه گفته ام همان در کتب اسلامی مرقوم است و بعض آیات قرآنی
مفهوم میگردد و انشاء الله عنقریب جناب سامی را از بعض رسایل مطبوعه
تحقیق این امر کما ینبغی اطلاعی حاصل خواهد گشت و یکی شکایت دیگر هم دارم
که درین مباحثه بالکل خلاف آداب مناظره اختیار کرده اند باوجودیکه جناب
پادری فرنچ صاحب شریک سامی تا عرصه بقرات مکتوب خود مشتغل ماندند از
جانب با کمال شوق سماعت آن بعمل آمد و بعد فراغت شان چون جناب
ڈاکٹر محمد وزیرخان صاحب شریک سامی مستعد بجواب آن شدند جناب
مانع آمدند و وقتیکه جناب ڈاکٹر صاحب چیزی میگفتند جناب منع میفرمودند چنانچه
بعد یکه جناب ڈاکٹر صاحب رنج خورده فرمودند که آیا شریک مباحثه نیستم
از جناب بلطایف الحیل مانع شدند این کدام شرط انصاف بود هرچند گفتم

این شیخ ساعی حق تا چندان مضطر گشت بلکه نزد جمیع حاضرین معقول و مبرهن شد
و بر آنها معنی شد که جناب فقط همین خیال میکردند که خبر هر قدر تحریف که با اقرار ما
بر حاضرین منجلی شد شد زیاده از این ظاهر نگردد و لیکن جناب ڈاکتر صاحب
کرده بودم لیکن چون عند الملاقات با اظهار جناب کشیش ولیم گلین صاحب و جمعی
که این مباحثه در اردو و انگریزی مطبوع خواهد گشت و هم در همین معنی هم انست
که شاید آن تقریر و نیز صاحب که از جواب آن ڈاکتر صاحب امتناع فرموده
مطبوع شود لهذا مناسب افتاد که جواب ڈاکتر صاحب مرسله خدمت گرامی گردد
که تا همراه آن مباحثه زیر تقریر مذکور طبع این هم بعمل آید تا نشود که بر ناظرین
آن مباحثه که در آن جلسه حاضر نبودند این امر مشتبه گردد که طرف ثانی از جواب
جواب تفصیلی آن تقریر اعراض نموده نظر بر آن از عقب نیاز نامه هذا جواب
ڈاکتر صاحب مرسل خواهد شد از راه انصاف با تقریر مسطور مطبوع شود و همواره
نامه نیاز مندی الیقیه یاد فرما باشند زیاده نیاز محرره ۲۴ رجب سنه ۱۲۷۵ هجری مطابق ۱۲
اپریل سنه ۵۹ و روز پنجشنبه خط از جانب پادری صاحب جناب لونص صاحب عالیشان
والا مناصب سیکلا نامه گرامی رسیده کاشف حالات شد آنچه از شکایت
ڈاکتر صاحب ذکر نوشته است جوابش اینست که اگر ڈاکتر صاحب را گمان اینست
که از روز فرصت اظهار و بیان مطالب خود هم حاصل نشد آنجناب بایشان
که باز جلسه مباحثه قایم کرده شود که من و پادری فرنچ صاحب برین امر بخوشی تمام
راضی هستیم تا عذر ڈاکتر صاحب رفع گردد و آن دلایلی را پیش کنند که ثابت
همین باشد که انجیل بر اصل خود نمانده و در تعلیمات و احکامش فرق افتاده
و انجیلی که الآن در استعمال است خلاف آن نسخه است که در زمان حضرت بوده است
زیرا که همین اثبات از مولوی صاحب تمنا داشته ام و ایشان نکردند و هرگاه که ثابت نخود

خط از پادری صاحب

که انجیل بر اصل خود نمانده است آن وقت معلوم خواهد شد که مباحثه موافق
مقصد آنجناب انجام پذیرفت ورنه اینقدر است که مباحثه در دیگر مسائل ختم
کرده شود یعنی آنجناب اعتراضات خود در باب الوهیت مسیح و تثلیث و ذات
الهی پیش کنند و بنده از دلائل را در میان آرد که چرا اهل مسیحیان از رسالت
پیغمبر اسلام و حقیت قرآن انکار دارند و اگر آنصاحب فرصت نداشته
باشند که زیاده برین در اکبرآباد توقف فرمایند و اگر صاحب کسی را از فضلای
آنجا شریک خود کنند و این مباحثه دینیه را باختتام رسانند فقط نمبر صفحه حل
الاشکال دیدم نگاشته بود در یافتم انتقام که در یادم نمی گذشت سببش این بود
که سامی جناب مطالعه فرموده صفحه مذکوره را با الفاظ دیگر نقل کرده بودند و از
صفحه نوشته هم گذشت اراده بودم بالیقین دانند که برای رنج دهی خاطر گرامی
نبوده است بلکه در حال تلاش مطلب چون بر آن صفحه محو شد گمان بردم که شاید
ازین صفحه مراد سامی باشد فقط راقم بنده کمترین فنڈر صاحب ۱۳ اپریل سنه ۱۸۵۴ع
دستخط انگریزی پادری صاحب خط از طرف مولوی صاحب بجناب پادری صاحب

ذو الاشفاق علینا قسیس کشیشان مدار عمده علمای مسیحیان و ذی الاقتدار
سلامت عنایت نامه عاطفت شمامه نزول فرموده کاشف مافی الضمیر شد عنایت
فرمایا انعقاد جلسه بار دیگر که برای رفع شکایات جناب و اکثر صاحب پسند
خاطر شریف و پادری فرنچ صاحب شده بسی مستحسن و مطبوع خاطرم افتاد و
ان شاء الله بعد اختتام این مباحثه دینی عزم شاهجهان آباد خواهم ساخت مگر برای
این مباحثه پذیرا شدن چهار شرط مفید بحق جانبین میدانم و باmید پذیرائی حواله
قلم نیاز رقم می کنم رجا که انهار اندیرا فرموده از تعیین روز مباحثه اطلاع فرمایند
و اگر در شرطی ازین شرائط قباحتی باشد بدلیل بران مستفید نمایند اول آنکه بر

خط از
طرف
مولوی
صاحب

فرق یا از نقص اجازت شود که از اقرار و کلام جانب ثانی که در بین دو جلسه گفتند
بر زبانش رفته امری را اگر صفحه بحق خود داند نوشته پیش کنند و از جانب ثانی
دستخط بر ثبت کنانند و همچنین این امر در جانب اینجانبه هم منوط ماند که بعد انقضای
هر جلسه یا فردای آن هر فریق فردا را پیش کرده دستخط بگیرانده باشد و در این
امر چنین ضبط و ثبت اگر چه بسیار حاجت ادب نیست از آنکه هرچه بر زبان فریقین
رفته یا خواهد رفت علی روس الاشهاد بوده و خواهد بود و صدها کس شنیده اند و
و خواهند شنید و چند کس از سامعین هر دو طرف سخنان بعینها تا شان نوشته
اند و خواهند نوشت لیکن بنظر حسن ضبط میخواهم که هرچه در دو جلسه از اقرار و کلام
یا صفحه سامی امده نوشته پیش فرمایند که بالا عذر دستخط خویش بران ثبت کرده
دهم و هرچه از کلام جناب و پادری فنڈر صاحب مناسب دانیم نوشته پیش کنیم انجناب
و پادری صاحب ممدوح نیز از دستخط خویش مزین فرمایند مثل آنکه دعوی جناب
که در عنوان فصل دوم میزان الحق مرقوم است و در ان نسبت بسوی قران و
تفاسیر فرموده اند غلطی ان مسلم جناب شده و مثل آنکه جناب امکان نسخ مصطلح
اسلامی انرا کرده یا معنی متعارف نسخ در توریت شده و تسلیم تحریف توریت
در انجمع چند بار بر زبان مبارک گذشته و کلام سامی اگر بود همین بود که انجیل موجود
قول جناب مسیح که با از اخاص جناب از اعام رسیده اند منسوخ نخواهند شد و مثل
انکه بعد ان جلسه پادری فنڈر صاحب از طلب سامی نخست ... جا و کتب معتمده
از انجیل طلب نموده و انجناب بخلط و در ان ظاهر فرموده اند و مثل آنکه بعد ان
جلسه پادری صاحب ممدوح بروفق مذهب ... مراد امرکه با او ... اختلاف
عبارت و انجناب سهوکات ... اعتراف نموده اند و مثل آنکه در
جلسه دوم انجناب سهوکات را در کتب مقدسه تسلیم فرموده بودند بعد الملها

تغیر ان سهو چنین ارشاد کردند که اینهمه امور یعنی کسی حالتشنیده را گرفته اصل بعض
کرده باشد یا آیات را افزوده یا آیات را انداخته و این قسم تصرف را تا
پنج سنین جا خواهد بود یا بعض لفظ را به بعض لفظ تبدیل ساخته و این بسیار
جاست یا تفسیر لفظی از جانب خود دران افزوده و این عام است که درج
وافزودن در اندراض وید لکردن قصدا باشد یا سهوا یا از روی غلطی فهم و
نزد اهل در سهو کاتب اند و مانند این امور یکه و امر دیگر هم اند که در وقت
پیش کردن نزد منظر مبارک خواهند گذشت شرط دوم انکه کلام ما از اول
بمجموعه مسلم است فقط بر عهد جدید از جهت در هر دو جلد مکرات و مرات تعیینی
بر زمان باشد گذشته در خطوط فریقین هم مباحثه در مطلق نسخ و تحریف قرار یافته
بود در نسخ و تحریف عهد جدید فقط اند اگر ازین گذشت که تمام اختیار مباحثه در ان ود
مسئله کرده هرگز تخصیص عهد جدید از جانب ما نمی شود شرط سوم انکه بر وقت
جواب دادن ما از جانب سامعین منظور نباید و گرنه آن گفتگوی حاکمانه است
نه عالمانه و ان اندک جانب ما هم امری خلاف او و خلاف آداب مناظره ظهور
نخواهد آمد بلکه فریقین را باید که کلام مجیب را تا کمال شنود بعد ازین لب لاو
نعم گشایند غایت انکه در صورت حاجت یکدو جا به زاید خواهد افتاد و در ان
کلام هیچ فریقین منظور نیست شرط چهارم انکه در وقت مباحثه در رسالت
محمد و حقیقت قران که بعد مباحثه در تثلیث و الوهیت جناب مسیح بظهور خواهد
الفاظی که بر سامعین گران گذرند و موافق محاوره اردو کرده باشند در حق
حضرت خیر البشر و قران مجید بر زبان مبارک نه رسند و از انکار هر دو همچنین
از ایراد مطاعن بر آنها منظور خاطر خطیر اند منع نمی کنم بلکه باشد آنها را وارد
کنند و متحمل اند جواب ان خواهیم داد امید که هر چهار شرط منظور شوند و

آنچه از داکتر صاحب رسیده حالی المستثنی شده که آن دلایلی را پیش کنند که از آن
شود که جناب را اصل خود نامده و در تعلیمات و انعکاسش فرق افتاده و این چیزیکه
الآن در استعمال است خلاف آن نسخه است که در زمان محمد بوده و دریافت نمی
بسته وجه کمال تعجب شد اول آنکه منصب با لفظ این بوده که شکوکیت این مجموعه
کرده ایم و آن تفصیل حال گفت خود از جناب سامی در اول جلسه رؤس
الاستشهاد اقرار تحریف نشست بطور در دوی اقرار بودن سهو کاتب تغییر
کتب آن تفسیر فیما بین ما و جناب بحث و نزاع لفظی بیاید بظهور رسیده الحال که
جناب باوجود اقرار تحریف در آن تواضع حد وده مدعی عدم تحریف در
عبارات از تعلیمات محمد و احکام و ثابت شده و کفاره شدن جناب مسیح است
اندراجات آن بر ذمه جناب است و ذمه ما دوم آنکه در مسئله نسخ و تحریف
تثلیث موافق خواهشات جناب سامی محرره ششم اپریل منصب ما همین است که متعرض
منصب سامی آنست که مجیب باشند پس مجیب منصب گرامی اثبات آن
ذمه جناب لازم است و ذمه ما بالکل ازین امور فارغست سیوم آنکه جناب
داکتر صاحب اراده جواب تقریر فنڈر صاحب دارند و برای همین امر مکاتب
سامی بود و این رسته عالی سامی را از چه مناسبت آری بعد از اوشان
[illegible] تعویق تصحیح اولا مرحوم بهر حال این رسته عالی عذر تحریف
[illegible] الاحتمال نفرموده کلام عطوفت سلک
شده بود به احسان رسید الحال مظنون غالب همین شد که بیان امر نفرموده
سبب آن شده باشد نتیجه تنبیه خاطر مستهام و الحمد شد که غلطی در نظم نشده سوای
از مطالب گوره را بالفاظ دیگر نقل کرده ایم زیاده نیاز محرره ۱۷ رجب
سنه ۱۲ هجری مطابق ۱۶ اپریل سنه ۱۸ عیسوی یوم پنجشنبه

خط از جناب پادری صاحب جناب والا مناقب عمدۃ العلماء مولوی رحمت اللہ صاحب

سلامت گرامی نامہ پہنچا کاشف حال خیریت ہوا اولا مباحثہ اور سی قاعدہ اور ترتیب
پیغام جس پر رضامندی طرفین پیشتر قرار پائی تھی تماما پہلی شرطوں سی جسکا
ذکر جناب نے انکی خط میں [illegible] شرط وشرطین مذکورہ کی کیا ہی اور سی بی
پادری فرنچ صاحب کو بھی کچھ انکا ہی اگرچہ بسبب تطویل ہوگی مگر مباحثہ دونو
جلسہ گذشتہ میں ہم لوگونکی نزدیک یہہ مضمون تمام ہوا یعنی کہ ہم مقر ہوے
کہ توریت میں نسخ در اصول ایمانیہ بلکہ صرف فروعات کی مسئلوں میں نسخ ہوا ہے
اور یہہ صرف اس مضمون سی کہ فروعات فی مسیح کی ظہور سی انجام و اختتام کو
اور انجیل کی بابت ہماری بات یہہ ہے کہ نہ منسوخ ہوئی ہی نہ ہوگی مسیح کے
ارشاد کی موافق جو انجیل میں یعنی لوقا کی ۲۱ باب کی ۳۳ آیت میں مرقوم ہے
ادعائی تحریف کی جواب میں ہماری بات یہہ تھی کہ تحریف و تبدیل کا بیان
وغیرہ نکتوں اور حروف لفظوں میں اور بعض آیتوں میں بھی ہوا ہے
اور یہہ کہ ہماری علمائی قدیم نسخوں سی تیس ہزار غلطیاں اس طرح سے
نکالی ہیں مگر نہ یہہ کہ ہر نسخہ میں اتنی غلطیاں واقع ہوئی ہوں بلکہ سب قدیمی
نسخوں سی جو شمار میں چند سو تھے سے جمع کی اور ہر میں مذکورہ غلطیاں نکالی
ہیں اور بعض میں کم بعض میں زیادہ غلطی پائی گئیں (اور اگر ان تیس ہزار
غلطیوں کو چند سو نسخوں پر حساب سی تقسیم کریں تو فی نسخہ [illegible]
غلطیاں نہیں نکلیں زیادہ) اور یہہ بھی ذکر ہوا کہ ان سب نسخوں کو مقابلہ کرکی
غلطیاں تصحیح کی گئیں چنانچہ اب صرف تھوڑی سی الفاظ اور صرف چند آیت
مشتبہ ہی ہیں یہہ کہ منجملہ ان غلطیوں کی کوئی مضمون فی تعلیم کی نسخے مقابلہ
کرنا مناسب صرف گنتی سی شمار کرنا ثابت کیا کہ باوجود سہو غلطیاں وغیرہ

کچھ بھی فرق نہیں پڑا کیونکہ وہ اپنی اصل پر
انجیل کی اصل میں یعنی اصل مطلب میں [illegible]
جناب نے جب تعلیمات اور احکام انجیل اب بھی بعینہ وہی ہیں جو اول سے تھے اور یہ
بات [illegible] گواہی علماء کی مذکور کی ایک انجیل کو ان نسخوں سے کہ جو زمانہ محمدی سے پیشتر کے
ہیں مقابلہ کرنے سے بھی معلوم ہوتی ہے یہہ کہ باوجود ہمارے ان دلیلوں کے
جناب نے کہا کہ مضمون میں بھی فرق پڑا ہوگا میں نے آپ سے اس بات کی دلیل مانگی اور
کہا کہ آپ ایسی انجیل جو اگلے وقتوں میں مشہور اور مروج تھی لاویں اور اوس کی
رو سے بتلاویں کہ اس انجیل کی تعلیمات و احکام اب کے انجیل سے اور طرح
ہیں مگر آپ نے کوئی دلیل اپنے ادعا کی ثبوت کو پیش نہیں کی تب میں نے کہا کہ جناب
کا ادعا صرف ایک دعوی اور گمان ہے اور بس اس بات پر دوسرے اجلاس کا [illegible] ہوا
اب اگر جناب دونوں جانب کے گذارش کا مضمون ضبط کرکے پیش کرینگے تو ہم دونوں
پادری فرنچ صاحب اور بندہ اس پر دستخط کرینگے والا فلا   ثانیاً اسکے سبب
کہ جناب کا وہ دعوی کہ مضمون انجیل بدل گیا بے دلیل اور بے ثبوت رہا میں نے
ڈاکٹر صاحب کے نامہ کے جواب میں لکھا کہ اگر آپ کے پاس اوس ادعا کی کوئی مستحکم
دلیلیں ہیں تو اونکو پیش کرینگے لیکن جب سے بحث قائم ہوئی ہے ہم باہتمام راضی ہیں
بلکہ آرزو رکھتے ہیں کہ وہ بارہ قائم ہو اور جناب کے مرضی کے موافق ہو تو البتہ مباحثہ اس بات
کی شروع ہوگا۔ غیر یہ   ثالثاً میں نے جو میزان الحق کی دوسری فصل
کی تشریح میں لکھا ہے کہ قرآن اور مفسرین دعوی کرتے ہیں کہ قرآن کی طفیل
سے انجیل منسوخ ہو گئی اور جناب نے کہا کہ یہ بات غلط ہے تو میں نے صرف
شرط پر اس غلطی کا مسلم ہوں کہ فی الحقیقت قرآن کی آیات و کسی تفسیر میں اسکا
بیان اور اشارہ نہ ہو میں نے جواب دیا کہ یہ بات بھی بعض تفسیروں میں لکھی گئی
چنانچہ میں نے اس پر [illegible] دعوی [illegible] انکو قبول کیا اور [illegible]

کہ مطلب یہی تہا کہ اس بات کا ثبوت چاہون کسو مسیحی کہ آپکے سوا اور کسے
محمدی عالم سے اسکا انکار سننے مین نہین آیا اور تعجب ہے کہ اول آپ نے کہا کہ
بات قرآن اور تفسیر سے برخلاف ہے پہر بعد خود دعوی کرکے آپ فرماتے ہین کہ
انجیل منسوخ ہو گئی ہے پر کسو مسیحی سے ایسا دعوی کرتے ہین جو اونکی نزدیک ان مین تحریف
الحاقی دو چند جناب کے از قرارات بندہ کو منظور ہو گی کہ جناب ان چند باتون
سے ایک کو ثابت کرین یعنی دلائل کرین کہ قول مسیح کا غیر یقینی ہے یا کہ دی آیات
جنکو نشان دہی ہے جیسی کہ مثلا یوحنا کی ۵ باب کے ۳۹ آیت اور لوقا کی ۲۴ باب کی
۲۵ سے ۲۷ تک اور ۴۴ سے ۴۵ آیت تک انجیل کی اگلی نسخون مین پائی نہین
جاتی ہین بلکہ پیچہے سے انجیل مین داخل کر دی گئی ہین یعنی مضمون انہین آیتون کا
جواب ہو جاتا ہے ان اعتراضات کا کہ جو درباب کتب عہد عتیق آپ پیش
کرتے ہین اور جب تک یہہ مرحلہ طی نہین ہوگا اب سے یا کسی اور عالم و
فاضل محمدی سے کتب عہد عتیق کا مباحثہ لازم نہین ہوگا اور نہین کر دیگا حضرت
مسیح کا قول البتہ ان سب طرح جو کہ اعتراضات سے زیادہ معتبر اور اونکی رفع کرنیکو
کافی و وافی ہے اور جاننا چاہیے کہ مسیح کی گواہی درباب صحت و حقیقت
توریت کی کافی دلیل ہے کہ جس کا سب مین جنکو آپ نے رد اور محمدی قبول کرتے ہین
صرف انہین کی سمجہ ہی ہے کہ فی الحقیقت اون آیتون سے توریت کی صحت
ثابت مین کچہ نقص آوے حاشا جناب کے تقریر کی شرط ایسی ہین کہ اگر
ہم توجہ با جواب چاہتی ہین آپکے جو تہی شرط اور یہہ جای تعجب ہے
آپ اسکا ذکر اب پیچ مین لاتے ہین آپ کو تو اول ہی سے معلوم تہا کہ ہم قرآن و محمد
کو نہین جانتے ایسے ہم دونون محمد صاحب اور دوسری کی مطابق کسطرح جو نہین
محمد صاحب البشر ہین نبوت البتہ اپنی دانست مین کچہ طعن و مذمت کرنیکی

مگر انہی موقع اور محل پر کہینگی کہ قران ستہا نہیں مگر چہپ گیا ہی اور محو ہو گیا ہی نہیں ہی مگر غیر بہی
بلکہ غیر حق نہی ہی اور دروغ سی دعوی الہام اور نزول آیت کیا ہی
کی راہ سی کہینگی بلکہ بطرف اس شبہ کہ ہم عیسائیونکی نزدیک حق ہی ہی
مورخہ ۱۸ اپریل سنہ ۱۸۵۰ع دستخط انگریزی پایان خط خط ارجاع
مولوی صاحب جناب بادی صفا والا مناقب زبدہ گشتان نامدار عمدہ علمای
سبحان ذوی الاقتدار سلامت عنایت نامہ آپکا پہنچا مگر تو جلوہ نہین بسبب اجمال اور
کی جو مطلب صاف صاف نہیں کہلا تو دریافت کرنا اوسکا معہ ایک امر کے
تفصیلی لکہنی ضرور ہرا عنایت فرماکی تشریح اونکی فرماد یجی اور
جبکہ جواب ابکی مجمل لکہی اول موضوع مباحثہ اوسی قاعدہ اور ترتیب پر ہی جیسے صاحب
طرفین نے قرار پائی اس قول سی مقرر قرار پائی کیا مراد ہی آیا وہی جو
باعتبار حصونکی مقرر ٹہرا ہی اور کچہہ اگر اول ہی یہی غالب معلوم ہوتا ہی تو
اونکی موافق مباحثہ اون مسائل سی جنمین وہ مقرر ہی مطلق نسخ اور تحریف
مین ٹہرا ہی نہ خاص نسخ اور تحریف عہد جدید مین اسلیے ہم دو نو جلسونمین برابر
کہتی رہی مین کہ ہمارا کلام مجمل پر ہی نہ فقط عہد جدید پر مراد تخصیص انجیل
کی کیون ہو اور اگر دوم ہی تو ہرگز اوسپر رضا ہی طرفین کی ثابت و
نہین [illegible] بیان مراد کی التشریح کر دیجی دوم موضوع ہم مقرر ہوئی کہ تورت
مین جو اصول ایمانیہ اور صرف فروعات کی متعلق نہین نسخ ہوا ہی جو کلام الہی
جلسونمین اوس نسخ پر [illegible] مصطلح اہل اسلام ہی اور فقط اوامر و نواہی
کی [illegible] آتا ہی اور اوسکی تشریح یعنی جلسہ اول مین کی تہی اور اوسکی اثنا
ذکر مین احکام تورت کی منسوخیت اپکی زبان پر گذری تہی اور اوسکی
[illegible] لکہا ہی تو خلاف اوسکا نسخ سی مراد [illegible]

کہیں بھی کہیں مگر اوسکی تصریح کردیجئی اور یہ بھی بتلادیجئی کہ اس سی کون سی کرکی جسمین ہمارا
کلام ہی اونکی نزدیک اصول ایمانی وغیرہ وہ نسخ ظاہر ہی نہیں ہوتا تمام توریت مین
سوای احکام عشرہ کی کچھ اور بھی ہین اگر ہین تو اونکی تفصیل کیجئی سوم
موضع تحریف و تبدیل از سہو کاتبان بعض عبارتین اور حروف اور لفظون مین اور بعض
آیتونمین ہوا ہی اسمین غالبًا لفظ وغیرہ کا عطف سہو پر ہوگا اور یہی آپکی مراد
ہوگی کہ سہو کاتبون اور غیر سہوی یعنی قصدًا جیسا آپنی جلسہ دوم مین بہی فرمایا
اور تحریف قصدی اہل بدعت بلکہ تحریف قصدی دیندار مسیحیون کا بہی بعض
محققین عیسائی نی اقرار کیا ہی اگر یہی مراد ہی تو تصریح کردیجئی اور اسیطرح
اسکی بہی تصریح کردیجئی کہ بعض آیتونسی وہی سات آٹھ آیتین مراد ہین جنہین
اوس تحریف کو جسکی ہم مدعی ہین آپنی قبول کیا تھا یا اس سی زاید بہی ہین
اگر زیادہ ہی ہون تو اون مواضع کو ضبط کردیجئی کہ فلانی اور فلانی آیت ہی
تاکہ ہم اپنی مختار سی واقف ہوں اور بعد دستخط ہو جانی طرفین کی دوسری
آیتونکو جو سوای اونکی ہین اور ہمنی اونکو نکال رکھا ہی اگلی جلسونمین پیش کرکی
اونکی حسن و قبح پر مطلع ہو جاوینگی اور اگر لفظ بعض کا پچاس ساٹھ کو بھی شامل
ہی تو اوسکی تصریح کردیجئی اور اس صورت مین بہی اگر آپ سب کی تفصیل
اوسکی نکرسکین تو دس بیس مواضع کی تفصیل کردیجئی چہارم موضع
اظہار علمای مسیحی تیس ہزار غلطیان الخ اس سی کیا مراد ہی آیا یہ کہ سب
غلطیان سہوی جو شمار ہوئی ہین وہ سب درستی کی تصحیح کی ہو گئی تہی بعد مقابلہ
نسخونکی یا ابتک بھی آج تک غلطیان نکلتی ہین یا یہ کہ بعض مصححین نی بعض
نسخونکو درست کیا اور اسیطرح جو سو پچاس نسخی سی کیا مراد ہی آیا یہ کہ آج
تک اونکا نسخونسی مقابلہ کیا گیا ہی یا بعد بعض وقت مین اتنی نسخی کیا گیا

ہی گو اور وقت ہین اور سی مقابلہ کرنی کی غلطیان نکالی ہووین اور صورت دوم
ہین اس مقابلہ کرنی والی کا کیا نام تہا پنجم موضع اب صرف تہوڑی
الفاظ اور صرف چند آیت شبہہ رہی ہین جو کل متن ہزار تہا تو اکثر کا
اطلاق نصف سی کچہہ زاید پر ہو سکتا ہی پس تہوڑی الفاظ سی مراد کیا ہی
آیا ہزارون جو پندرہ ہزار سی کم ہووین یا سیکڑون یا دو تین یا ادنی سے
طرح چند آیت سی کیا مراد ہی اگر تہوڑی الفاظ اور چند آیت سی دو تین الفاظ اور
دو تین آیتین ہین تو اونکی تفصیل کر دیجیی ششم موضع کتب تعلیمات اور احکام انجیل جیسی
وہی ہین انکی اس سی کیا مراد ہی آیا یہہ کہ کوئی فقرہ کسی حکم یا تعلیم کا محرف
نہین ہوا یا یہہ کہ بعض جا مین ایکفقرہ یا کئی فقری بگڑ گئی ہون مگر جو ہی
مطلب اوس کا رہا سی نکل سکتا ہی تو اصل مطلب مین انکی نزدیک کچہہ نقصان
نہین آیا ہفتم موضع مین یعنی اصل مطلب کی تفسیر واضح کر دیجیی کہ ہم اس مقدمہ
پر اوسکا اطلاق کرتی ہین اور بس ہشتم موضع انجیل کی اون نسخون کو جو زمانہ
محمد سی آگی مروج تہی اس سی کیا مراد ہی آیا یہہ ہی کہ پیشتر زمانہ محمد صلعم کی
لکہی ہوئی ہین اور اوسکی زمانہ سی پہلی مکتوب ہو کر سب نسخون مین مستعمل تہی اور
بعینہا آج تک موجود ہین یا اور کچہہ مراد ہی اگر اول ہی جیسا آپ نی
میزان الحق مین بہی لکہا ہی تو اس صورت مین ہم پوچہتی ہین کہ اس بات پر آپ
کی کچہہ علامت اس سی صاف ہی کہ وہی نسخی بقیۃ ما پیشتر زمانہ محمد سی مرقوم ہوئی ہین
یا بعض کے پاس ہی یا نقطہ ہے اور صورت یقین مین کوئی دلیل اوسکی
لکہنی کی بعض کتب اسناد مین جو ہماری پاس ہین اس امر کو ہمنی دیکہا
مگر کوئی دلیل الحق نہین ہی کہ اوس پر اعتماد کیا جاوی یا اعتبار کیا جاوی علاوہ
بریں کچہہ ارشاد کیجیی نہم موضع تحریف سے یعنی مطلب و سیاق مین اور

بعض آیات مین جنکی آپ دلیل پکڑتی ہین آپکے نزدیک فقط جعلی ثابت ہوگی
جبکہ نہی ایسا پرانا نسخہ نکلی جو اس سی ہتین اور ان آیات مین حال کی نسخو کی
مخالف ہو یا اور طرح بہی ہوسکتی ہی اگر ہوسکتی ہی تو اوسکی تصریح کیجئی کا ہیکہ
اگر سطور بہی ثابت کردوگی تو بہی ہم مان لینگی وجہ ہیہ کہ لفظ دیرینہ ری
ذنک جو جلسہ اول مین آپ کی زبان پر بہی گذرا تہا اور آپ اوسکا ترجمہ ہو
کاتب کی ساتہہ کرتی ہین تعریف اوسکی کیا ہی اور اوسمین اور اتہہ مین فرق
ہی یا نہین بسبب عنایت نسی ہیہ ہی کہ صاف صاف ان سب باتون کو نسی
اطلاع فرماوینگی بعد اوسکی جواب تفصیلی اپکی عنایتنامہ کا لکہونگا اور مقدمہ
مباحثہ مین جو منظور ہوا قطعی کرکی عرض کرونگا زیادہ زیادہ محررہ ۱۹
اپریل ۱۸۵۴ع مطابق ۲۰ رجب ۱۲۷۰ ہجری یوم چہارشنبہ مکرر عرض یہہ ہے
کہ اس امر سی بہی مطلع فرماوین کہ جن مضمونون نی مقابلہ نسخون کا کیا ہی اور
اون نسخون کا اعتبار بہی دی کی شخص تہی اور نام اونکا کیا ہی اور کس
زمانہ مین تہی اور اون مین سی عہد عتیق کی مقابلہ کرنی والی کتنی تہی اور عہد جدید
کی کتنی فقط خط از جانب پادری صاحب جناب والا شان
عالی مناقب مولوی رحمت اللہ صاحب سلامت عنایت نامہ اپکا پہنچا اور
مضمون اسکا معلوم ہوا ظاہر ہی کہ آپکے سوالات کی جواب اور بیان مین
کتب کتنی ہی درکار ہین بس ایک خط مین اونکی گنجائش کسطرح ہوسکی مگر انکا جواب
اسوقت ضرور ہی نہین کسواسطی کہ اونکی بعضی سوالات جنکا آپنی لکہا ہی جلسہ مین
بحث مباحثہ ہوچکا اور بعضی ایسی ہین کہ اگر جناب چاہین تو انکو آیندہ مباحثہ
کی تاریخ مین تو صاف لکہا تہا کہ پادری فرنچ صاحب کی اور میری
بحث مین مباحثہ کسی وجہ سی اور کس مقام تک انجام پایا اور یہہ دو بات

خط از جانب
پادری صاحب

جو نسخ اور تحریف کی مباحثہ میں باقی رہی ہیں کہ آپ اپنی اس دعوی کو بدلیل
کا مضمون بدل گیا ثابت کیجیے اور نیز یہ بھی لکھا کہ اگر مباحثہ پر قایم ہو تو
اوسی بات سی شروع ہونا چاہیے نہ اور کسی باتسی مگر جناب نے اسکا
جواب کچھ نہیں لکھا بلکہ اور سوالات پیش کیے پس ظاہر ہے کہ آپکو یہ منظور ہے
کہ مباحثہ اوسی بات سی شروع ہو وہی ہاں نہیں اگر جناب کے بھی یہی مرضی ہو تو
مباحثہ پر قایم ہوکر جو جواب اس مسئلہ کی شامل ہی اب وہی پیش کیجیے اور ہم تامل
سی اسکی جواب دینگے لیکن مباحثہ سی اگے جواب دینا لازم و واجب نہیں جانتی
ہیں اور در حالیکہ آپکی رضامندی اس بات پر نہ ٹھیری تو مباحثہ موقوف رہیگا .
اور یہی اگلی خط میں بھی اسکی اشارہ تھا فقط المرقوم ۱۲ اپریل ۱۸۵۴ع
دستخط انگریزی بزبان خط نقل خط از جانب مولوی صاحب بنام پادری صاحب .

مولوی صاحب کا خط اونکی

بندہ کو شنبان ماہ ذیقعدہ ۱۲۷۰ عنایت نامہ اپکا پہنچا اور
اوسکی دیکھنے سی کمال تعجب ہوا افسوس کہ آپ محض گفتگو موقوف کرنیکو ایک عذر
بیجا بار بار زبان پر لاتی ہیں بھلا جب آپنی علی روس الاشہاد اس مجموعہ میں تحریف
آیات کی آٹھ جا جس سی ایک رسالہ دو باب مجموعہ میں ہے بو حسالی بیان کیا اور
تفسیر مفسروں کی ایسی کہ وہ تحریف جسکی ہم مدعی ہیں اوس مجموعہ کا جز
ایک فرد ہو گئی اور اس لحاظ سی امکان کا کیا ذکر وقوع تحریف کا بالفعل
اوس مجموعہ میں انکی نزدیک مسلم ہوا پر جواب عدم تحریف مقصود اصلی اس مجمع
کی واجب التسلیم کراتی میں کیا شرط انصاف کی ہی دیکھو جس قبالہ میں ایات آٹھ
جا جعل ٹھیرا دی اور صاحب قبالہ اوسکو قبول بھی کر لیوی اور پھر دعوی کری
کہ در حالیکہ یہ مجموعہ جعل کیا ہی مگر مقصد میں جعل نہیں کیا تو اوسکی کون سنتا
ہی علاوہ اوسکی جیسا کہ اگلی بھی عرض کر چکی ہیں کہ جابا منصف آپکے عبارت کی

موافق مسئلہ نسخ اور تحریف اور شبہات مین اعتراض کا اور اسکا منصب جواب دینے
کا ہمارے پس انصاف کیجیے کہ اثبات عدم تحریف کا مقصد اصلی مین نقیضہ انکی
ذمہ ہی اور ہمنی تو اپنی منصب سے زیادہ مشکوکیت اور محرفیت اوس
مجموعہ کی ثابت کر دی اور آئندہ جا آیات مین اینی اوسکو مان لیا پس ہمارا
ذمہ بالکل فارغ اور انکا ذمہ مشغول ہی اور مجموعات آسمانی کافی ہی جو کہ یہہ
یہہ مجموعہ مشتبہ ہی اور کیونکر نہو کہ جعل نکا کیا ذکر اوسکی اکثر کتابونکی نسبت
علمائے مسیحیہ نکو سلف اور خلف شبہ رہا ہی اور بہت علمائے عیسائی مذہب نے
اقرار کیا ہی کہ نامہ دوم پطرس اور نامہ یعقوب اور نامہ یہودا اور نامہ دوم اور
سیوم یوحنا اور مشاہدات یوحنا انجیل نویسونکی لکھی ہوئی نہین جیسا کہ تفصیلا
اون علما کی اقوال کی تشریح رسالہ اعجاز عیسوی مین جو انشاء اللہ عنقریب
آپکی ملاحظہ مین گذریگا مجھی ہی پس اگر سند متصل اس مجموعہ کی ہوتی تو ہرگز ایسا
خلاف نہوتا اور بہت علمائے معتبر ایسا نکہتی اور اسیطرح انجیل متی جو اول
الاناجیل ہی اوسکی بھی کوئی سند متصل نہین اور موافق مذہب مختار قدما
کی وہ عبری مین تھی اور وہ اب صفحہ جہان سی گم ہی اور ترجمہ یونانی
اوسکا پایا جاتا اور وہ بھی بی سند کہ آج تک بالیقین اوسکی مترجم کا نام معلوم
نہین جیسا کہ ہیرونیمس اور ریلوحن اور گرونیس اور کک بن اور بشپ والش لو
اور بشپ ٹاملاین اور ڈاکٹر کیو اور ڈاکٹر مرڈش اور مل اور ہارووڈ
اور ون اور کینل اور ای کلارک اور ساٹیمر اور ڈاکٹر بنت اور ریبیلی
اور روبی اور گاڈنت اور میکانکس اور پاری جیمس اور فیلن اور فیلی
اور اپلی فائس اور گیرنز اسمتھ اور جیروم اور گریگری نازینزن
اور ایبد جعفر اور نیوفیلکٹ اور یوتھیمس اور پاپیاس اور ...

۳۱ ۳۲ ۳۳
اور اتفاق سے شش اور آگستائن اور اسیڈور اور علمای متقدمین
اور متاخرین عیسائی کی اقوال سی جنکو لارڈنر اور واٹسن وغیرہ نے
اپنی کتابون مین نقل کیا ہی ثابت ہین پس ایسی انجیل کو ہم کس طرح کلام اللہ مانین
اور ترجمون کا حال تو قدیم سی اہل کتاب مین بہت ہی خراب ہی اسکی مترجمین
بہی بہت کچہ خرابی کی ہیگی شاید اسی لئی ہم اونکو بہت جا صریح غلط پاتی ہین
اول ہی کی باب مین چند غلطیان فاحش اوسمین موجود ہین اور بی سند ہونے
عہد عتیق کی کتابونکا ہم کیا ذکر کرین پس ہرگز ہمارے نزدیک بی سند کتاب
بہی مضمونکا ہی بالیقین ثابت نہین لگتا جب نہین ہو سکتی اور جواب
اپنی دونون خطون کی موافق ایک ہی شرط پر گفتگو کرینگا اور بسبب ذہ
ہماری نزدیک وہ شرطین بالکل خلاف داب مناظرہ ہی اور دوسری جہت
سی ہم اوسکا انکار کرتی ہین جیسا بارہا ہم عرض کر چکی پس یہ سمجھکر
کہ آپنی ایک عذر بیوجہ سی جلسہ قطع کر دی گفتگو کا اوٹہا دیا اور گفتگو موقوف
کی اس لئی مباحثہ کو قطعاً قطع کرتی ہین اور یہہ ہمارا آخری خط ہی ہم تو
اسکی بعد کوئی خط نہ لکھینگے اور آپ بہی نہ لکھینگا لیکن اگر آپ مباحثہ ضبط کر
چہپوانا منظور ہو تو ان دو باتونکا لحاظ رکہنی کا ایک تو یہ کہ ہماری معنی اصطلاحی نسخ
جنکی تشریح ہم نی جلسہ اول مین کردی تہی مشروحاً لکہہ دیجیگا دوسرے یہ
کہ سب خطوط اپنی اور ہماری کو جو قبل گفتگو زبانی اور بعد اوسکی تحریر ہوئے
ہین اوس مباحثہ کی ساتھ چہپوا دیجیگا تاکہ ناظر اوسکا خود ہی معلوم کر لیگا
کہ کون غالب رہا اور کون مغلوب ہوا اور کون خلاف داب مناظرہ کی کہتا تہا
اور کون اوسکی موافق اور وہ جو آپ لکہتی ہین کہ ہمنی جو میزان الحق کے
دوسرے فصل کی تشریح مین لکہا کہ قرآن اور اوسکی مفسرین دعوی

کرتے

کرتی ہین کہ قرآن کی ظہور سی انجیل منسوخ ہوئی ہی اور جناب نے کہا کہ یہہ بات غلط ہی
یعنی جناب بند و دو (اشتہار) تحریر اور تقریر مین تحریف کرتی ہین آپکی تحریر ہوئی
کی نسخہ صفحہ ۱۸۵ اس باب مین قرآن اور اوسکی مفسرین دعوی کرتی ہین کہ [illegible]
زبور کی آنی سی توریت اور انجیل کی ظاہر ہونی سی زبور منسوخ ہو گئی
اسیطرح انجیل بھی قرآن کی ظاہر ہونی سی منسوخ ہوگئی اور یہہ صفحہ
مین بھی محمدیونکا دعوی بی اصل اور بیجا ہی جو کہتی ہین کہ زبور توریت نی
اور انجیل ان دونو کو منسوخ کرتی ہی اور یہی تقریر یون ہی کہ غلط ہی
جو دونو جا بجا لکھا ہی قرآن مین تو یقیناً اسکا کسی جا ذکر نہین اور نہ کسی
تفسیر سی یہہ مجموعہ ثابت ہو سکتا ہی بلا مخالف اوسکی تفسیرین اور اور کتب
اسلامی سی سمجھا جاتا ہی بعد اسکی عبارت تفسیر عزیزی اور تفسیر حسینی مین سی
نقل کی ہی اور بہت بڑی غلطی آپکی اوس تحریر دعوی مین یہہ ہی کہ زبور
آپ مسلمانون کی دعوی کی موافق ناسخ توریت اور انجیل کی منسوخ
فرماتی ہین حالانکہ یہہ صرف بہتان ہی اور ردہ جواب لکھتی ہین کہ جناب ان
دونون مین کوئی ثابت کرین یعنی مدلل کرین کہ قول حضرت مسیح [illegible]
ہماری نزدیک اگر قول مسیح ع ثابت ہو جاوی اسکی انکار کو
بہت برا جانتی ہین مگر ثابت ہونا اسکا مشکل ہی اور آپ اوسی ہرگز [illegible]
نہین کر سکتی مگر اس سی قطع نظر کرکی کہتا ہون کہ اول جب ہمارا کلام [illegible]
[illegible] کیا یہہ عتیق اور کیا جدید ہو ہرگز اوسکی آیات سی ہماری اور
[illegible] تمام نہین جب تک اس مجموعہ کی آپ عدم تحریف ثابت نہ کردین
اور سند متصل اوسکی نہ بتادین اور ہم پر لازم نہین کہ کسی آیت پر اسکی
التفات کرین دوم یہہ کہ اگر بالفرض والتقدیر مان بھی لین کہ یہہ اقوال مسیح کی

ہیں تو اونسے آپکا مطلب نہیں نکلتا جیسا کہ علماء نے تصریح کی ہے اور اوسکا قول
جلسہ اول میں گذارش کیا تھا سیوم یہہ کہ اگر بالفرض ہاں یہی لیں کہ مسیح کے
گواہی سے اونکا مطلب نکلتا ہی تو اوس سے اتنا ہی ثابت ہوگا کہ مسیح کے
وقت تک بعض کتابیں عہد عتیق کی محرف نہیں ہوئی ہیں اور یہہ تو ثابت
نہیں ہوتا کہ بعد زمانہ مسیح کے بھی نہوئی ہوں چنانچہ جلد اول تفسیر ہنری و اسکاٹ
میں ہے کہ اگسٹائن یہود کو الزام تحریف نسخوں کا دیتا تھا کہ انہوں
نے واسطے غیر معتبر کرنے ترجمہ یونانی اور بسبب دشمنی دین مسیحی کے یہہ امر کیا تھا
اور قدمای مسیحیوں میں یہی رای عام تھی اور کہتے تھی کہ سنہ ۱۳۰ عیسوی میں
یہودیوں نے یہہ تحریف کی ہے انتہی ملخصاً پس اگسٹائن اور
جمہور قدماء کے موافق یہہ تحریف دوسری صدی میں ہوئی ہی بعد مسیح
اور جابجا ہو پس گواہی جناب مسیح کی آپکی زعم میں اسکی نفی
کیونکر ہو سکتی ہی اور جو آپنے ایک عذر ضعیف کے سبب سے
مباحثہ ختم کیا تو اور یا تو ان خط کو جو اگلے مباحثہ کے متعلق تھیں
کیا لکھوں زیادہ نیاز محررہ ۲۳ اپریل سنہ ۱۸۵۴ء مطابق ۲۴ رجب
سنہ ۱۲۷۰ ہجری روز یکشنبہ فقط

تمت

الحمد للہ والمنۃ کہ رسالہ مباحثہ ومناظرہ کہ از جناب
افضل العلمای کرام مولانا محمد رحمت اللہ صاحب
سلمہ اللہ تعالی الی یوم القیام و پادری فنڈر صاحب
در شہر اکبرآباد [illegible] منتشر شد [illegible]